



بازسازی پر قدرت هسته‌ای
پژشکیان: تأسیسات را دوباره می‌سازیم



گل‌های پژمرده
درباره داوود پیرنیا



پای چه کسی در میان است؟
پیرپرست توقیف شد!



دعوت به اعتراض

باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا مردم این کشور را به مخالفت با ترامپ فراخواند و از آنها خواست به سیاست‌های او اعتراض کنند. برنامه‌های رئیس‌جمهور آمریکا روز به‌روز مخالفان بیشتری می‌یابد و چالش‌های بیشتری پدید می‌آورد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

انتخابات فرمانداری دو ایالت ویرجینیا و نیوجرسی که قرار است در تاریخ ۴ نوامبر (۱۳ آبان) برگزار شود، بهانه‌ای شد تا باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا در آستانه برگزاری این انتخابات از رأی‌دهندگان دموکرات بخواهد تا در برابر اقدامات بی‌قانونی و بی‌توجهی‌های دولت دونالد ترامپ ایستادگی کنند. اوباما این سخنان را در جریان گردهمایی انتخاباتی برای حمایت از ایگل اسپان‌برگر و میکی شریل، نامزدهای انتخابات فرمانداری ویرجینیا و نیوجرسی مطرح کرد و به شدت عملکرد دولت ترامپ را زیر سؤال برد. رئیس‌جمهور سابق آمریکا با لحنی طعنه‌آمیز گفت: «در آمریکا هر روز هالوین است؛ پر از ترغند، اما بدون هیچ شیرینی!» او افزود که کشور و سیاست‌های کنونی آمریکا در تاریکی فرو رفته و دشوار است بدانیم از کجا باید شروع کرد زیرا هر روز کاخ سفید تحت این دولت شاهد مجموعه‌ای از اقدامات بی‌قانون، بی‌ملاحظه، پرشور و گاه دیوانه‌وار است. اوباما در ادامه به سیاست‌های آشفته تعرفه‌ای دولت ترامپ و استقرار نیروهای گارد ملی در شهرهای مختلف اشاره کرد و عملکرد جمهوری‌خواهان کنگره را نیز مورد انتقاد شدید قرار داد. به گفته او این نمایندگان حتی زمانی که ترامپ از مسیر درست خارج می‌شود، قادر به کنترل او نیستند. رئیس‌جمهور پیشین از واکنش سریع رهبران کسب‌وکار، شرکت‌های حقوقی و دانشگاه‌ها برای آرام کردن ترامپ شگفت‌زده شد و اظهار کرد که بسیاری از این نهادها در برابر فشارها به سرعت کوتاه آمدند و عملاً به زانو درآمدند. اوباما با لحنی طنزآلود، توجه ترامپ به موضوعات جزئی و کم‌اهمیت مانند سنگفرش کردن باغ‌رز کاخ سفید و ساخت اتاق رقص به هزینه ۳۰۰ میلیون دلار را مورد تمسخر قرار داد، در حالی که بیش از یک ماه از تعطیلی دولت می‌گذرد و مسائل کلان کشور بدون پاسخ باقی مانده است.

ادامه در صفحه ۳

کانال عمان فعال شد

به‌رغم تذکیریه‌ها، ظاهراً پیام‌های پنهانی بین ایران و آمریکا در جریان است



یادداشت روز

موانع فرزندآوری

بی‌اعتمادی به وعده‌های دولتی باعث شکست سیاست‌ها می‌شود



فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

مشکلات اصلی کشور ما عمدتاً ناشی از عملکرد سیاستمداران و قانون‌گذاران است؛ افرادی که به‌جای حل ریشه‌ای مشکلات، اغلب با صدور احکام دستوری می‌کوشند، مسائلی را حل کنند که در واقع نیازمند بررسی و تحلیل دقیق‌تری هستند. یکی از این مسائل بحرانی، افزایش نرخ تورم و مشکلات اقتصادی است که در دو، سه سال اخیر به شدت افزایش یافته است. این شرایط موجب شده تا مردم در تأمین هزینه‌های زندگی، اجاره‌خانه و دیگر نیازهای ابتدایی خود با مشکلات جدی مواجه شوند. بسیاری از خانواده‌ها اکنون دیگر قادر به تأمین هزینه‌های اولیه زندگی و تشکیل خانواده نیستند. به‌ویژه جوانان که در صورت ازدواج، ناچارند در خانه‌های استیجاری با هزینه‌های سنگین زندگی کنند و حتی بسیاری از آنها قادر به تأمین حداقل‌های زندگی خود نیستند. در چنین شرایطی به‌جای اینکه سیاست‌گذاران مشکلات بنیادین اقتصادی را حل کنند بر افزایش مولید تأکید دارند. تردیدی نیست که افزایش نرخ تولد و جوان‌سازی جمعیت برای آینده کشور بسیار ضروری است و می‌تواند به توسعه پایدار و تقویت جامعه کمک کند. اما پیش از هر گونه توصیه یا تصمیمی در این زمینه باید دلایل اصلی کاهش نرخ تولد و افت رشد جمعیت بررسی شود. به‌طور واضح جوانان کشور هیچ‌گاه از ازدواج و فرزندآوری گریزان نبوده‌اند بلکه عدم وجود شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی، آنها را از این تصمیم بازداشته است. در کلان‌شهرها، هزینه‌های زندگی به حدی افزایش یافته که حتی طبقه متوسط جامعه نیز نمی‌تواند، نیازهای ابتدایی خود را تأمین کند. طبق آمار رسمی، خانواده‌ای چهار نفره با درآمد کمتر از ۷۰ میلیون تومان در ماه، فقیر به شمار می‌رود و حدود ۷۰ درصد از درآمد خانوارها صرف تأمین خوراک و مایحتاج روزمره می‌شود. با چنین شرایطی، چگونه می‌توان از جوانان انتظار داشت که ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند؟ هزینه‌های فرزندآوری، که شامل نیازهای اولیه مانند تغذیه، پوشاک، آموزش و سلامت است، برای بسیاری از خانواده‌ها غیرقابل تأمین است. در واقع، مشکل اصلی به‌جای سیاست‌های دستوری به ریشه‌یابی دلایل کاهش نرخ تولد بازمی‌گردد. مسئولان باید ابتدا شرایط اقتصادی و اجتماعی لازم برای ازدواج و فرزندآوری را فراهم کنند. در حالی که مرتب بر لزوم حل ریشه‌ای مسائل تأکید می‌شود، در عمل سیاست‌هایی شاهد هستیم که به‌جای حل مشکلات، باعث تشدید آنها می‌شوند. یکی از نمونه‌های بارز این سیاست‌ها، محدودیت‌هایی است که مجلس در زمینه غربالگری پزشکی وضع کرده است، به‌جای اصلاح سیاست‌های حمایتی. در جامعه‌ای که بیان حقیقت و واقعیت‌ها جرم به حساب می‌آید، مشکلات پنهان می‌ماند و سیاست‌های نادرست تکرار می‌شوند. به‌طور مثال یکی از مسئولان وزارت بهداشت در مورد تأثیر محدود کردن غربالگری بر افزایش تولد نوزادان دارای نقایص جسمی و ذهنی صحبت کرد اما به‌دلیل فشارهای امنیتی مجبور شد، سخنان خود را پس بگیرد. این نوع واکنش‌ها و عدم پذیرش حقیقت موجب تکرار خطاهای گذشته و ادامه وضعیت بحرانی می‌شود.

ادامه در صفحه ۶

پاستور

بازسازی پر قدرت هسته‌ای

پزشکیان: تأسیسات هسته‌ای را دوباره و با قدرت بیشتری می‌سازیم

رئیس‌جمهور، روز گذشته با حضور در سازمان انرژی اتمی ایران از تازه‌ترین دستاوردهای دانشمندان این سازمان در حوزه بهداشت، درمان و تولید رادیوداروها بازدید کرد و در نشست‌ی با مدیران ارشد صنعت هسته‌ای بر لزوم توسعه پرشتاب و هدفمند این فناوری راهبردی تأکید کرد. وی ضمن گرامیداشت یاد شهدای هسته‌ای و شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، فعالیت دانشمندان این حوزه را مصداقی از «جهاد علمی» و «خدمت صادقانه به ملت» دانست.

مسعود پزشکیان در این دیدار اظهار کرد: متأسفانه تبلیغات مغرضانه جهانی به‌گونه‌ای جهت‌دهی شده که واژه «هسته‌ای» در افکار عمومی مترادف با ساخت سلاح اتمی تلقی می‌شود؛ در حالی که تنها بخش ناچیزی از این صنعت در ارتباط با فناوری‌های نظامی است و عمده ظرفیت‌های آن در خدمت انسان و رفاه جوامع بشری قرار دارد. وی تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران همواره فعالیت‌های خود را در چارچوب صلح‌آمیز پیگیری کرده و هدف از گسترش این صنعت، ارتقای کیفیت زندگی مردم، پاسخ‌گویی به نیازهای کشور و دستیابی به استقلال فناوریانه است نه تولید سلاح. رئیس‌جمهور با اشاره به جایگاه برجسته ایران در تولید رادیوداروها و کاربرد گسترده آنها در تشخیص و درمان بیماری‌ها گفت: «امروز فناوری هسته‌ای می‌تواند علاوه بر بهبود سلامت جامعه به خلق ثروت ملی و حضور مؤثر در بازار جهانی منجر شود». او افزود که دشمنان ایران از همین ظرفیت‌ها بیم دارند زیرا دستیابی ملت به دانش بومی و فناوری‌های پیشرفته، وابستگی کشور را از بین می‌برد و بازارهای انحصاری قدرت‌های بزرگ را تهدید می‌کند.

پزشکیان ضمن تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی برای کسب سهم از بازار جهانی رادیوداروها خاطر نشان کرد: «فعالیت‌های کنونی بسیار ارزشمند است اما باید هم‌زمان با تأمین نیازهای داخلی به صادرات و بازاریابی حرفه‌ای نیز اندیشید. کیفیت و اثربخشی محصولات ایرانی، توان رقابت با نمونه‌های خارجی را دارد و این نقطه قوت باید به مزیت اقتصادی تبدیل شود». وی در بخش دیگری از سخنان خود ترور دانشمندان هسته‌ای کشور را نشانه نگرانی قدرت‌های استکباری از رشد علمی ایران دانست و گفت: «آنان می‌دانند که ما به دنبال سلاح نیستیم اما با تکیه بر این ادعای دروغین، مانع پیشرفت علمی ملت ایران می‌شوند. با این حال جوانان و نخبگان ما با اتکا به ایمان و دانش خود، مسیر پیشرفت را ادامه خواهند داد».

پزشکیان با بیان اینکه فناوری هسته‌ای تنها محدود به انرژی یا دارو نیست به کاربردهای گسترده آن در حوزه‌های کشاورزی، محیط‌زیست و مدیریت منابع آبی اشاره کرد و افزود: «تمامی این دستاوردها در راستای ارتقای سلامت مردم و حفاظت از منابع ملی است. با این وجود، در معرفی این ظرفیت‌ها و مقابله با تبلیغات دروغین دشمنان کوتاهی کرده‌ایم و باید سازوکاری مؤثر برای اطلاع‌رسانی، معرفی و بازاریابی محصولات ایجاد شود».

او در پایان با تأکید بر اراده دولت برای حمایت کامل از توسعه صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز گفت: «دولت با تمام توان از پیشرفت این صنعت پشتیبانی می‌کند. با همت دانشمندان و برنامه‌ریزی دقیق، می‌توانیم جایگاه شایسته‌ای در بازار جهانی به دست آوریم. آینده ایران در گرو حضور در لبه دانش و حرکت به سوی فناوری‌های نوین است. ما تأسیسات هسته‌ای خود را دوباره و با قدرت بیشتری خواهیم ساخت تا پرچم علم و استقلال بر فراز کشور برافراشته بماند».

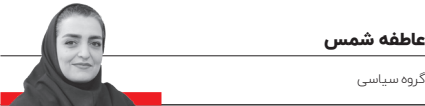


گروه سیاسی: جلسه روز گذشته مجلس در فضایی پرتنش و با محوریت شایعه توافق دولت با تلگرام آغاز شد؛ شایعه‌ای که با واکنش تند محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، مواجه شد و او آن را از اساس کذب خواند. در ادامه، جدال‌های لفظی، تذکرات پیاپی نمایندگان و حتی درگیری کوتاه میان چند نفر از آنان، صحن علنی را برای دقایقی متشنج و به میدان اختلافات سیاسی بدل کرد؛ اختلافاتی که به نظر می‌رسد در حال حاضر از شورای عالی فضای مجازی به قلب مجلس کشیده شده است. در حالی که طی روزهای اخیر، گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال رفع فیلترینگ تلگرام در فضای رسانه‌ای کشور مطرح شده، محمد تقدعلی، نماینده خمینی‌شهر، در صحن علنی مجلس مدعی شد که دولت توافقی را با مدیران تلگرام امضا کرده که به گفته او هنوز به شورای عالی فضای مجازی رفته و در صورت صحت، خلاف قانون اساسی است. تقدعلی با استناد به اصل ۷۷ قانون اساسی هشدار داد که هرگونه توافق با پلتفرم‌های خارجی باید به تصویب مجلس برسد و در غیر این صورت، وزیر ارتباطات را استیضاح خواهد کرد. اما قالیباف بلافاصله به این تذکر واکنش نشان داد و با تأکید بر اینکه هیچ توافق پنهانی با تلگرام در کار نیست، گفت: «بنده خواهش می‌کنم، اطلاعات غلط نه در جلسات مجلس شورای اسلامی و نه در پشت تریبون به مجلس داده نشود. بنده به‌عنوان عضو شورای عالی فضای مجازی اعلام می‌کنم، موضوعی که شما فرمودید از اساس کذب است. آقای آقاهرانی در شورای فضای مجازی حضور دارند در این شورا یک مصوبه ۲۲ بندی به تصویب رسیده است که تقدم آن از یک تا ۲۲ مشخص است. این مصوبه ۲۲ بندی به استحضار آقا رسیده و ابلاغ هم شده و براساس این مصوبه کار شروع شده است». رئیس مجلس ادامه داد: «براساس مصوبه شورای عالی فضای مجازی هر پلتفرم خارجی که بخواهد در داخل کار کند باید ضوابط و مقررات را بپذیرد. در شورای عالی فضای مجازی یک گروه ۹ نفره‌ای انتخاب شده است که بر رعایت شدن یا نشدن این ضوابط نظارت دارند». وی همچنین تأکید کرد: «بنده خواهش می‌کنم کسی اطلاعات غلط و کذب به مردم ندهد. مصوبات شورای عالی فضای مجازی کاملاً روشن است. اگر پلتفرمی ضوابط داخلی را نپذیرد قطعاً مجوزی پیدا نمی‌کند». اما در حالی که قالیباف موضوع توافق دولت با تلگرام را تکذیب کرده، رسانه‌هایی مثل «انتخاب» از تحرکاتی در دولت برای بازنگری در سیاست فیلترینگ خبر داده‌اند. آنها همچنین مدعی شده‌اند که رسانه‌های وابسته به نهادهای فرهنگی از جمله سازمان تبلیغات اسلامی طی دو روز گذشته با انتشار گزارش‌هایی نسبت به احتمال رفع فیلتر تلگرام هشدار داده و در حال انتشار ادعاهایی در مورد شروط رفع فیلترینگ هستند تا دولت را تحت فشار گذاشته، مرعوب کنند و او را در عمل انجام شده و در چارچوب همین خطوط قرمز تعیین نشده، قرار دهند. رسانه‌هایی مثل مهر هم شروطی را برای رفع فیلترینگ ذکر کرده‌اند از جمله محدودسازی مطالب تحریک‌آمیز قومیتی، حذف محتوا با شکایت شهروندان، همکاری تلگرام با دستگاه قضایی ایران، مسدودسازی ترویج‌کنندگان محتوای تروریستی و خلاف امنیت ملی و تعهد به ایران برای عدم ارائه اطلاعات کاربران ایرانی به سروس‌های اطلاعاتی بیگانه. مهر همچنین مدعی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

حکمرانی بدون اعتبار

رسانه بی‌نفوذ، نمی‌تواند راهبر فرهنگی باشد



عاطفه شمس

گروه سیاسی

روزنامه جام‌جم اخیراً در یادداشتی با محوریت نقش صداوسیما در «حکمرانی فرهنگی فضای مجازی» تلاش کرده این سازمان را به‌عنوان نهاد راهبر و ناظر فرهنگی معرفی کند. پیشنهادی که گرچه از دید عده‌ای ممکن است منطقی به‌نظر برسد اما با نگاهی به عملکرد واقعی صداوسیما، می‌توان فاصله او را با واقعیات میدانی و وضعیت افکار عمومی عیان دید. ریزش مخاطب صداوسیما نشان می‌دهد که این رسانه سال‌هاست که از جایگاه مرجع فرهنگی و رسانه‌ای خود در جامعه سقوط کرده است. نتایج نظرسنجی‌های مختلف از جمله نظرسنجی‌های رسمی ایسپا و پژوهشگاه صداوسیما هم نشان می‌دهد سهم مخاطبان رسانه ملی، به‌ویژه در میان نسل جوان، بشدت پایین است و بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند اخبار، سرگرمی و حتی محتوای آموزشی خود را از شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌های اینترنتی دنبال کنند. در این شرایط و وقتی که اعتماد عمومی تا این اندازه پایین آمده، صحبت از «راهبر فرهنگی بودن» این رسانه اصلاً معنایی ندارد.

شد که این شروط به تلگرام اعلام شده است. برخی چهره‌های نزدیک به جریان اصولگرا نیز از «نگرانی درباره تضعیف حکمرانی سایبری» گفته‌اند. رسول جلیلی، عضو شورای عالی فضای مجازی و از نزدیکان سعید جلیلی هم در اظهاراتی کنایه‌آمیز گفته: «نگرانم مبادا توافقی امضا شود که مثل مکانیسم ماشه در برجام بعداً دردسرساز شود و حقوق حکمرانی ما نادیده گرفته شود».

رسایی مقابل قالیباف

التهابات روز گذشته مجلس فقط به بحث تلگرام محدود نماند. در ادامه جلسه، حمیدرضا رسایی، نماینده تهران نیز در اعتراض به عملکرد هیأت‌رئیسه و روند بررسی تخلفات دولت، چند بار تذکر



آئین‌نامه‌ای داد. قالیباف از او خواست که تکرار نکند اما رسایی گفت: «آقای قالیباف، اگر بخواهید ما خفه شویم، خفه می‌شویم!» قالیباف هم پاسخ داد: «شما هم صحبت می‌کنید و هم شانتاژ. این خوب نیست». پس از قطع شدن میکروفن رسایی این جدال لفظی به درگیری کوتاه میان رسایی و مهرداد گودرزوند، نماینده رودبار، منجر و برای دقایقی فضای مجلس متشنج شد. در نهایت با مداخله چند نماینده دیگر ماجرا خاتمه یافت.

اسماً این تنها نقطه اختلاف قالیباف و رسایی نبود. کمی پیش‌تر رسایی در تذکری جداگانه مدعی شده بود که فرزند محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، تابعیت آلمان دارد و در نتیجه، جایگاه پدرش در دولت غیرقانونی است. او همچنین از بازگشت برخی مدیران بازنشسته به دولت و حضورشان در شورای اطلاع‌رسانی انتقاد کرد و گفت: «قانون فقط برای مردم عادی نیست؛ برای مسئولان هم هست». رسایی در ادامه تذکر خود گفت: «اسم این کار وفاق نیست. ما قرار نیست در قانون‌شکنی وفاق کنیم؛ ما باید در مسیر حل مشکلات مردم وفاق کنیم. حل مشکلات مردم از اعمال قانون برای همه است». قالیباف در پاسخ به این تذکر نیز گفت: «درخواست اعمال ماده ۲۳۴ به کمیسیون ارجاع شده و در حال پیگیری است. نتیجه مرحله اول از مسیر وزارت و دیوان محاسبات مشخص می‌شود و اگر به نتیجه نرسد به کمیسیون بازمی‌گردد».

در یادداشت جام‌جم همچنین گفته شده، صداوسیما باید محتوای هویت‌ساز تولید کند، سواد رسانه‌ای مردم را بالا ببرد و نسل‌ها را به هم نزدیک کند که البته بیشتر به بیان آرزوها می‌ماند. صداوسیما مدت‌هاست نه در شناخت مخاطب و نه در تولید محتوای متناسب با نیازها و زبان نسل جدید عملکرد موفقی نداشته و در حالی که رسانه‌های جهانی و حتی پلتفرم‌های داخلی در حال یادگیری، تحول و تعامل دوسویه با مخاطبان‌شان هستند، صداوسیما همچنان به الگوی یک‌طرفه، دستوری و غیرانتقادی پایبند و به نوعی فقط تریبون بازتولید صدای رسمی است. رسانه‌ای که بارها متهم به سانسور، جانبداری سیاسی و تحریف واقعیت‌ها شده-که نمونه آن را هم اخیراً از سوی محمد باقری، نماینده اصولگرای بناب در رد روایات صداوسیما از دستاوردهای جنگ ۱۲ روزه شاهد بودیم- قاعداً نمی‌تواند، الگوی سواد رسانه‌ای و گفت‌وگوی فرهنگی باشد. اعتماد پایه هرگونه اثرگذاری فرهنگی است اما صداوسیما این سرمایه را تا حد زیادی از دست داده است. وقتی بخش زیادی از مردم، روایات صداوسیما را باورپذیر نمی‌دانند و رسانه ملی را بازتاب‌دهنده منافع گروهی خاص تلقی می‌کنند، گفتن از اینکه صداوسیما می‌تواند مخاطبان را در برابر فریب‌های رسانه‌ای واکنشی‌کند بیشتر به طنز و کنایه شبیه است.

از تنگه هرمز تا کنوانسیون سایبری

در میان جدال‌های سیاسی، برخی تذکرات دیگر نیز نشان‌دهنده جهت‌گیری کلی مجلس بود. ۶۳ نماینده با صدور تذکری کتبی از رئیس‌جمهور خواستند که «برای کنترل عبور و مرور کشتی‌ها و احتمال بستن تنگه هرمز» برنامه‌ریزی کند. تذکری که اگرچه در حاشیه اخبار مجلس قرار گرفت اما از منظر سیاسی حامل پیام فشار مضاعف بر دولت در حوزه سیاست خارجی و امنیتی است.

مهدی کوچک‌زاده، نماینده تهران هم در تذکری جداگانه به امضای ایران در کنوانسیون جرایم سایبری اعتراض کرد و گفت: «یک روش منحوس در حال جا افتادن است و آن بی‌توجهی به قانون اساسی است. ما قرارداد می‌بندیم و بعد می‌گویند، امضای اصلی نیست!» او از قالیباف خواست از حیثیت مجلس دفاع کند و تأکید کرد: «هر توافق خارجی باید در مجلس تصویب شود». قالیباف هم در پاسخ گفت که پیگیری وزارت خارجه را بر عهده خواهد گرفت و تأکید کرد: «هر توافقی که بدون مصوبه مجلس بسته شود، جلوی آن گرفته می‌شود».

در ادامه جلسه، علی‌اصغر نخعی‌راد، نماینده مشهد، با لحنی انتقادی نسبت به عملکرد دولت در حوزه اقتصاد هشدار داد و گفت: «اگر رئیس‌جمهور کابینه‌اش را تقویت نکند و از چهره‌های توانمند بهره نگیرد، مجلس ناچار خواهد شد، وزرای ناتوان را تغییر دهد». او با اشاره به میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری از ابتدای انقلاب تا به امروز به انتقاد از دولت تدبیر و امید پرداخت و هدف سخنان اخیر روحانی و ظریف را سرپوش گذاشتن بر سیاست‌های ۸ ساله خود تعبیر کرد. در ادامه برخی نمایندگان کوشیدند با لحنی آرام‌تر، فضا را جمع کنند. عزت‌الله حبیب‌زاده، نماینده مرند و جلفا در نطق خود از جدال‌های سیاسی در کشور انتقاد کرد و گفت: «مردم امروز بیش از هر چیزی نیاز به آرامش دارند. جدال‌ها و نفاق‌های سیاسی، کمکی به کشور نمی‌کند». او از دولت خواست برای بهبود معیشت نیروهای مسلح، معلمان و کارگران اقدام کند و نسبت به ادامه نرخ‌های بالای بهره بانکی هشدار داد: «تولیدکننده با این شرایط ناچار است، کارخانه را ببندد. این در حالی است که رهبری بر حمایت از تولید تأکید دارند».

مجلس در آستانه بحران ارتباطی

جلسه اخیر مجلس ترکیبی بود از جدال، اتهام، تذکر و هشدار. همچنین تصویری روشن از فضای متشنج میان دولت و بخشی از نمایندگان ارائه داد. در حالی که دولت تلاش دارد تا با بازنگری در سیاست‌های ارتباطی و رفع محدودیت‌های اینترنتی، رضایت عمومی را جلب کند، بخش‌هایی از نهادهای تصمیم‌ساز و اصولگرایان تندرو این تحرکات را تهدیدی برای «حکمرانی سایبری» می‌دانند و در مقابل آن ایستاده‌اند. تنش‌های این جلسه از دعوای لفظی قالیباف و رسایی گرفته تا بحث‌های جنجالی درباره تلگرام و قراردادهای خارجی نشان داد که مجلس دوازدهم در حالی که کشور با بحران‌های اقتصادی و فشار معیشتی مواجه است همچنان درگیر تنش‌های درونی و رقابت‌های جناحی است.

نکته دیگر این که یادداشت جام‌جم بدون اشاره به ضعف‌های ساختاری و مدیریتی صداوسیما فقط از ظرفیت‌های بالقوه آن نوشته است. اما واقعیت این است که رسانه به اصطلاح ملی با وجود بودجه کلان، به‌لحاظ نیروی انسانی، نوآوری در قالب و محتوا و شفافیت عملکرد اصلاً در وضعیت مطلوبی نیست و ساختار اداری سنگین، نبود رقابت آزاد و بی‌توجهی به خلاقیت، باعث شده بسیاری از برنامه‌های آن تکراری و کم‌کیفیت باشند و در نتیجه، رسانه‌های مستقل و شبکه‌های اجتماعی به راحتی جای آن را گرفته‌اند. جام‌جم از «حکمرانی فضای مجازی» توسط صداوسیما نوشته است، غافل از اینکه سپردن چنین نقشی به نهادی که خودش از شفافیت و پاسخ‌گویی کافی برخوردار نیست، می‌تواند خطرناک باشد. اگر قرار است، صداوسیما بر فضای مجازی نظارت و نقش دیده‌بان فرهنگی را ایفا کند، در قدم اول باید خودش پاسخگو، متنوع و مورد اعتماد مردم باشد؛ در غیر این صورت این حکمرانی نه تنها به رشد فرهنگی منجر نخواهد شد بلکه محدودیت و کنترل بیشتری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. در مجموع به نظر می‌رسد، یادداشت جام‌جم بیشتر از آنکه بتواند برای چالش‌های فرهنگی فضای مجازی راه‌حلی ارائه کند، تلاشی است برای بازتعریف صداوسیما در جایگاهی که سال‌هاست از آن فاصله گرفته. صداوسیما برای آنکه بتواند در عرصه فرهنگ و فضای مجازی اثرگذار و به معنای واقعی «رسانه ملی» باشد باید در وهله اول ساختار خود را اصلاح کند، به نقدها گوش دهد و زبان و نیاز نسل جدید را بشناسد تا شاید بتواند، اعتماد عمومی را دوباره به دست آورد. در غیر این صورت سخن گفتن از حکمرانی فرهنگی این رسانه، ادعایی بوج و مهمل خواهد بود.

کانال عمان فعال شد

به رغم تکذیبیه‌ها خبرها حاکی است پیام‌های پنهانی بین ایران و آمریکا رو به افزایش است

طسح ابراز امیدواری وزیر امور خارجه عمان برای از سرگیری مذاکرات ایران و آمریکا در جریان کنفرانس امنیتی منامه، شایعه‌ای را در فضای مجازی دامن زد مبنی بر اینکه وزیر امور خارجه ایران قصد دارد در سفری از پیش تعیین نشده عازم مسقط شود. با این حال این خبر تکذیب و اعلام شد که چنین سفری در دستورکار قرار ندارد. بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان که در ۵ دور مذاکرات میان ایران و آمریکا نقش تسهیل‌گر را ایفا کرده بود، در نشست امنیتی منامه به صراحت اعلام کرد که ایران در مسیر مذاکره قرار داشت و تنها آغاز جنگ از سوی اسرائیل، مانع ادامه آن شد. او همچنین با لحنی صریح تأکید کرد که اسرائیل تهدید اصلی امنیت منطقه است و از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خواست تا رویکرد منفعلانه خود را کنار گذاشته و به تعامل سازنده با جمهوری اسلامی ایران روی آورند. وزیر خارجه عمان ابراز امیدواری کرد که مذاکرات ایران و آمریکا در آینده‌ای نزدیک از سر گرفته شود. این سخنان در حالی مطرح شد که مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران، هفته گذشته برای شرکت در یازدهمین نشست کمیته مشورت‌های راهبردی سیاسی به عمان سفر کرده و با وزیر خارجه این کشور دیدار کرده بود. تخت‌روانچی در جریان این سفر تأکید کرد هیچ مذاکره‌ای که از پیش نتایج آن تعیین شده باشد برای ایران قابل قبول نیست. در همین حال رسانه عراقی بغداد الیوم گزارش داد که در بجنوبه تشدید تنش‌های منطقه‌ای و توقف

ادامه تیتیر یک

دعوت به اعتراض

وی همچنین در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت که بیش از ۴۷ میلیون آمریکایی، از جمله یک‌پنجم کودکان، دسترسی قابل اعتماد و مقرون به‌صرفه به غذای مغذی ندارند و با افزایش شدید هزینه‌های زندگی، خانواده‌های بیشتری برای تأمین غذا به کوب‌های غذایی وابسته شده‌اند. برنامه کمک تغذیه مک (SNAP) که پیش‌تر به‌عنوان «کوپن غذایی» شناخته می‌شد، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های رفاهی فدرال آمریکاست و به خانواده‌های کم‌درآمد در تأمین نیازهای غذایی کمک می‌کند. این برنامه از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و طی سال‌ها گسترش یافت تا میلیون‌ها آمریکایی را تحت پوشش قرار دهد. در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، پیشنهاداتی برای محدود کردن دسترسی به این برنامه مطرح شد که با مخالفت شدید دموکرات‌ها و فعالان اجتماعی مواجه شد. او‌باما پیش‌تر بارها سیاست‌های رفاهی دولت ترامپ را مورد انتقاد قرار داده و خواستار حفظ و تقویت حمایت‌های اجتماعی شده بود. رئیس‌جمهور دو دوره‌ای آمریکا همچنان محبوبیت بالایی در میان دموکرات‌ها دارد و اظهارات او علیه ترامپ می‌تواند، تأثیر قابل توجهی بر دیدگاه عمومی داشته باشد. شبکه خبری سی‌ان‌ان در تحلیلی نوشت که او‌باما زمانی مطمئن بود،

آمریکا از دوران ترامپ جان سالم به در خواهد برد اما اکنون این اطمینان کمتر شده است. او همچنان قادر است جمعیت‌های هزاران‌نفری را جذب کند و با رهبران محلی، مانند گاوین نیوسام، درباره بازطراحی حوزه‌های انتخاباتی در کالیفرنیا گفت‌وگو کند اما دوستان نزدیک او می‌گویند پس از ۸ سال دوری از کاخ سفید، نوعی تاریکی و اضطراب بر پیام‌های امید و تغییر او سایه افکنده است. پس از دوران ریاست‌جمهوری بایدن، او‌باما عمداً حضور عمومی خود را کاهش داد اما همچنان بزرگ‌ترین جمع‌کننده کمک‌های مالی حزب دموکرات باقی مانده است. اکنون او و دستیارانش در حال بازنگری در راهبرد دیرینه خود هستند تا اطمینان حاصل کنند، نسل بعدی دموکرات‌ها فرصتی برای ظهور

داشته باشد. با این حال اقدامات ترامپ از زمان بازگشتش به کاخ سفید، از جمله تلاش برای جلوگیری از دستیابی دموکرات‌ها به قدرت، تهدید به پیگرد قضایی و تعطیلی نهادهای لیبرال، نگرانی او‌باما را افزایش داده است. او بیم دارد که نسل آینده دموکرات‌ها شاید هیچ فرصتی برای مطرح شدن نیابد. در همین حال سی‌ان‌ان نیز در تحلیلی نوشت: آمریکا دیگر آن کشور متحد «بدون ایالت‌های قرمز و آبی» نیست که او‌باما ۲۱ سال پیش در گردهمایی ملی دموکرات‌ها درباره آن سخن گفته بود. همچنین جامعه فراتر از ای که برخی امیدوار بودند با انتخاب نخستین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست محقق شود، هرگز به واقعیت تبدیل نشد. یکی از دوستان نزدیک او‌باما گفت: «او نمی‌خواهد رهبر حزب باشد. زمانی او رهبر دنیای آزاد بود اما گاهی احساس می‌کند باید حرفش را بزند. هیچ‌کس انتظار چنین وضعیتی را نداشت؛ وضعیتی که تا این حد بد و زشت است

مذاکرات درباره مساله هسته‌ای ایران، منابع دیپلماتیک در تهران فاش کرده‌اند که ایالات متحده از طریق سلطنت عمان پیامی در مورد احتمال از سرگیری مذاکرات هسته‌ای ارسال کرده است. در این گزارش آمده بود، پیامی که به مسقط رسیده، تمایل واشنگتن برای از سرگیری گفت‌وگوها را تأیید کرده و رئیس‌جمهور ترامپ در آن بر قصد خود برای دستیابی به توافقی جدید با جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده است. این ادعا به سرعت از سوی مقامات ایرانی تکذیب شد با این حال فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، به طور تلویحی دریافت پیام‌هایی از آمریکا درباره از سرگیری مذاکرات را تأیید کرد. او در حاشیه نشست هیأت دولت اعلام کرد که وزارت امور خارجه پیام‌هایی را دریافت کرده و درباره جزئیات آن در زمان مناسب اطلاع‌رسانی خواهد شد. در ادامه این تحولات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که تهران آمادگی دارد برای برطرف کردن نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای خود وارد مذاکره شود. او تأکید کرد که ایران نسبت به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود اطمینان دارد و امکان رسیدن به توافقی عادلانه وجود دارد اما ایالات متحده، شروطی غیر قابل پذیرش را مطرح کرده است. عراقچی تصریح کرد که ایران درباره برنامه موشکی خود مذاکره نخواهد کرد و هیچ کشوری نمی‌پذیرد که از ابزار دفاعی خود محروم شود. او گفت توقف غنی‌سازی اورانیوم امکان‌پذیر نیست و آنچه با جنگ به دست نیامده را نمی‌توان با فشار سیاسی گرفت. به نظر می‌رسد اظهارات عراقچی

اشاره مستقیمی به درخواست آمریکا دارد که خواستار تحویل اورانیوم ۶۰ درصدی در ازای تعلیق مکانیسم اسنبک و آغاز مذاکره درباره کاهش برد موشک‌های ایرانی به زیر ۵۰۰ کیلومتر شده بود. این درخواست از سوی تهران رد شد و در نهایت بن‌بست در گفت‌وگوها باعث فعال شدن مکانیسم ماشه در شورای امنیت شد. عراقچی همچنین گفت، ایران تمایلی به مذاکره مستقیم با واشنگتن ندارد و ترجیح می‌دهد که مذاکرات غیرمستقیم با کشورهای هسته‌ای ایران پابرجاست. وی تأکید کرد افزود که مواد هسته‌ای کشور همچنان در زیر آوار تأسیسات بمباران شده، باقی مانده اما فناوری هسته‌ای ایران پابرجاست. او برنامه که در زمینه ساختمان‌ها و تجهیزات، خسارت‌هایی وارد شده اما برنامه هسته‌ای متوقف نشده و کشور آمادگی کامل برای هرگونه احتمال را دارد. عراقچی هشدار داد که ایران انتظار هرگونه رفتار خصمانه از سوی اسرائیل را دارد و در صورت بروز تهدید، واکنش قاطع نشان خواهد داد. با توجه به تمایل مجدد عمان برای ایفای نقش میانجی، چالش فوری پیش‌روی این کشور، غلبه بر فضای بی‌اعتمادی و تنش نظامی پس از فروپاشی دور پیشین گفت‌وگوها در بی حملات نظامی ژوئن ۲۰۲۵ است. عمان که به دلیل سیاست متوازن و نقش خود به عنوان میانجی دیپلماتیک قابل اعتماد شناخته می‌شود، می‌کوشد با ترغیب دو

می‌برد صرفاً حواس‌پرتی نبود بلکه اقدامی سیاسی بسا بار نزادی بود که ترامپ را در مرکز توجه ملی قرار داد و با خشم بخشی از جامعه همسو شد. این زمینه راه را برای ریاست‌جمهوری‌ای هموار کرد که هدفش معکوس کردن دستوردهای او‌باما، چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی بود. در سیاست داخلی، مهم‌ترین هدف ترامپ «قانون مراقبت مقرون‌به‌صرفه» یا همان او‌باما‌کر بود که بزرگ‌ترین دستورارد او‌باما محسوب می‌شود. تلاش‌های کنگره برای لغو این قانون موفقیت‌آمیز نبود اما دولت ترامپ با اقدامات اجرایی و تغییرات اداری از کاهش برنامه‌های جذب بیمه‌شدگان گرفته تا کاهش یارانه‌ها و تبلیغ بیمه‌های محدود، تلاش کرد آن را تضعیف کند. این اقدامات باعث ناپایداری بازار بیمه و افزایش تعداد افراد بدون بیمه شد. همچنین دولت ترامپ بسیاری از مقررات زیست‌محیطی او‌باما را لغو کرد؛ از خروج از توافق پاریس گرفته تا کاهش استانداردهای انتشار خودروها که تلاش‌های چندین ساله آمریکا برای مقابله با تغییرات اقلیمی را بی‌اثر کرد. در سیاست خارجی نیز ترامپ عمدتاً کارهای او‌باما را معکوس کرد. خروج از توافق تجاری ترنس‌سیفیک، ترک توافق هسته‌ای ایران، اعمال محدودیت‌های سفر و تجارت با کوبا نمونه‌هایی از اقدامات اوست که بیشتر ریشه در خصومت شخصی با او‌باما داشت تا بازنگری استراتژیک. این اقدامات باعث دور شدن متحدان اروپایی و افزایش تنش‌ها با ایران شد. این تقابل تنها به سیاست‌ها محدود نمی‌شود؛ سبک و لحن ریاست‌جمهوری نیز تفاوت اساسی دارد. او‌باما محتاط، فکری و متکی بر دیپلماسی

چندجانبه و اتحادهای سنتی بود، در حالی که ترامپ سبک تکانشی، ملی‌گرایانه و مقابله‌ای «اول آمریکا» را در پیش گرفت و با زبان تحریک‌آمیز و شبکه‌های اجتماعی، مستقیم به رقبای و حتی او‌باما حمله می‌کرد. این خصومت شخصی نه تنها اهداف سیاسی داشت بلکه وجهه سیاسی ترامپ را نیز تقویت و او را به‌عنوان فردی ضد نظام معرفی کرد؛ کسی که می‌خواست سیاست‌های جهانی‌گرایی و «درست‌کاری سیاسی» که هوادارانش از آن ناراضاتی داشتند را کنار بزند. آنچه از تلاش‌های دونالد ترامپ برای تخریب میراث سیاسی باراک او‌باما برمی‌آید پیش از آنکه مبتنی بر ارائه یک چشم‌انداز نوین و منسجم در عرصه سیاست‌گذاری باشد، جلوه‌ای از یک نیاز عمیق و نمایشی برای نفی و انکار دستوردهای رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده است. این رویکرد نه‌تنها به‌عنوان یک استراتژی سیاسی بلکه به‌مثابه یک کنش نمادین در جهت بازتعریف هویت سیاسی ترامپ عمل کرد؛ هویتی که بر پایه تقابل با نخچیان سنتی و ساختارهای تثبیت‌شده، شکل گرفت. این تقابل لحظه‌ای تاریخی در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ رقم زد و به یکی از ارکان اصلی محبوبیت او در میان هوادارانش بدل شد. طرفداران ترامپ او را نه صرفاً به‌عنوان یک سیاستمدار بلکه به‌عنوان نماد شورش علیه نظم موجود و فردی می‌نگردند که بی‌پروا و بی‌ملاحظه حاضر است، میراث سیاسی پیشینیان را زیر سؤال برد، ساختارهای پیشین را متزلزل و با اقدامات جنجالی بر سیاست‌های گذشته غلبه کند. این ویژگی، به‌ویژه در فضای قطبی‌شده سیاسی آمریکا، به عاملی تعیین‌کننده در جذب و حفظ پایگاه اجتماعی او تبدیل شد.



طرف به بازگشت به میز مذاکره، روند گفت‌وگو را زنده نگه دارد. با این حال هر دو طرف همچنان در مواضع حداکثری خود پافشاری می‌کنند. دریافت پیام‌ها از سوی واسطه‌ها اکنون فرصتی شکننده و در عین حال حیاتی برای جلوگیری از تشدید درگیری‌ها به شمار می‌رود. اینکه ایران تأیید کرده است، پیام‌هایی در مورد از سرگیری دیپلماسی دریافت کرده با وجود حملات اخیر نشان می‌دهد، دو طرف همچنان به اهمیت استفاده از کانال عمان برای مدیریت تنش‌ها واقف هستند. در نهایت به باور کارشناسان و ناظران، ایران و ایالات متحده هر دو تمایل خود را برای بازگشت به مسیر دیپلماسی اعلام کرده‌اند اما دستیابی به توافقی مشابه برجام بسیار دشوار به نظر می‌رسد. اگرچه برخی اظهارات اخیر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر همکاری ایران در برقراری آتش‌بس در غزه را سیگنالی تازه برای آغاز مذاکرات تلقی می‌کنند اما بررسی وضعیت روابط، واقعیت‌های دیگری را نشان می‌دهد. اختلافات واشنگتن و تهران از چارچوب برنامه هسته‌ای فراتر رفته و موضوعاتی چون برنامه موشکی و نقش منطقه‌ای ایران را نیز دربر گرفته است. این موارد به موانعی جدی برای احیای گفت‌وگوها تبدیل شده و در کنار اختلافات حل نشده ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسیر رسیدن به توافقی جدید را بیش از پیش دشوار کرده است.

امنیت ملی

خواسته‌های بی‌انتهای

لاریجانی خواستار مقاومت ملی شد

«علی لاریجانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در بخشی از اظهارات خود در جمع اصحاب علوم انسانی که در تاریخ هفتم آبان ماه برگزار شد با بیان اینکه هدف ملموس دشمن این است که ایران، ملت و اراده‌اش را بشکند، گفت: الان می‌گویند، غنی‌سازی نباید داشته باشید همان‌هایی که تأیید کردند غنی‌سازی داشته باشیم الان می‌گویند نداشته باشید؛ پس اینها فرصت‌طلب هستند. این خواسته‌هایشان هم ته ندارد؛ بعد از غنی‌سازی می‌گویند، برد موشک‌تان هم کم کنید و در منطقه همان کاری را انجام دهید که ما می‌گوییم. معتقدم یک مقاومت ملی در برابر این خواسته‌ها، نیاز است و باید سر این حرف خود ایران و ایرانیان بایستند. وی ادامه داد: ما نمی‌گوییم مذاکره نمی‌کنیم، رهبری همیشه گفته‌اند، علم مذاکره را داشته باشید اما مذاکره باید واقعی باشد، نه اینکه از قبل بگویند، آخرش این باید شود.

لاریجانی با اشاره به اظهارات اخیر نماینده آمریکا در لبنان گفت: آقای باراک که خیلی راحت حرفش را می‌زند و نیت خودشان را می‌گوید همان اول که آمده بود، گفت ۶۰ روز بیشتر وقت ندارید و باید خلع سلاح لبنان و فلان و بهمان را انجام دهید اما بعد فهمید این طور نمی‌شود و عصبانی شد و چند تا فحش هم داد و اخیراً هم گفته یا این حرف‌های ما را گوش می‌دهید یا خود دانید، که این حرف یعنی به اسرائیل می‌گوییم شما را بزند. دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان تأکید کرد: ساده‌اندیشی نباید کرد، کسی نمی‌گوید مذاکره نکنیم اما باید در جای خودش انجام شود. تلقی این نیست که جمهوری اسلامی نمی‌خواهد اصلاً مذاکره کند ما در حال مذاکره بودیم که جنگ کردند اما الان هدفشان مذاکره نیست، می‌گویند مذاکره‌ای کنید با نتایج مشخص مدنظر آنها. اینها باید قدری سر عقل بیایند، یعنی نوعی مقاومت ملی را شکل دهیم و این مقاومت ملی یک ضلع اقتصادی دقیق دارد.



یاد: موسیقی

گل‌هایی که پژمرده شدند

یادی از **داوود پیرنیا** در سال‌روز درگذشتش



داوود پیرنیا (زاده ۱۲۷۹ - درگذشته ۱۱ آبان ۱۳۵۰) بنیان‌گذار برنامه‌ماندگار «گل‌ها» در رادیو ایران، پس از آن‌که بیش از یک دهه بی‌وقفه در این پروژه فرهنگی کار کرد، به ناگهان استعفا کرد؛ تصمیمی که هنوز هم دلایل آن جای سؤال دارد و لزوماً مشخص نیست که علت واقعی آن، چه بود.

پیرنیا مردی بود که موسیقی و شعر را در قالبی تازه با هم تلفیق کرد و به سماع و نظر مردم رساند و خدمات بسیاری به موسیقی کرد اما ناگهان سکوت کرد و یک روز برای همیشه رادیو را ترک گفت.

روایت‌های مختلفی از علت این کناره‌گیری وجود دارد که هیچ‌کدام به‌تنهایی قطعی نیستند اما در کنار هم تصویری روشن‌تر از آن روزها می‌سازند. گفته می‌شود یکی از دلایل اصلی فضای اداری و فشارهای سازمانی آن زمان بود. در حقیقت در میانه دهه ۴۰ بازرسان وزارت اطلاعات و مدیران جدید رادیو به بهانه نظارت بر امور وارد اتاق پیرنیا شدند؛ اقدامی که او آن را بی‌احترامی دانست. در همان روزها از سوی برخی هنرمندان از جمله مرضیه نیز انتقاداتی مطرح می‌شد که چرا اداره چنین برنامه‌ای در دست کسی است که خود موسیقی‌دان نیست. این فضای ملتهب موجب آزرده‌گی پیرنیا شد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، او دچار بیماری و فرسودگی جسمی شده بود. در سال ۱۳۴۳ هنگام ضبط یکی از برنامه‌ها، به دلیل ضعف و ناراحتی قلبی به بیمارستان منتقل شد و پس از آن کمتر توان حضور منظم در رادیو را داشت. بیماری در کنار خستگی روحی ناشی از فشارها، تصمیم او را قطعی‌تر کرد. برخی نیز از اختلاف‌های درونی و رقابت میان گروه‌های موسیقی رادیو سخن گفته‌اند؛ نامه‌هایی از سوی چند خواننده علیه او منتشر شد و همین شایعات، به گفته منابع معاصر، پایانی برای رابطه پیرنیا با رادیو بود.

مجموعه این عوامل؛ بیماری، دل‌خوری از بی‌احترامی‌ها، فشار اداری و اختلافات حرفه‌ای دست به دست هم داد تا در سال ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۶ داوود پیرنیا نامه استعفاي خود را بنویسد و برای همیشه از رادیو و برنامه «گل‌ها» کناره بگیرد.

او تا پایان عمر دیگر در هیچ مصاحبه یا محفل هنری حاضر نشد؛ تنها گاه به خانه دوستان نزدیکش می‌رفت و می‌گفت: «من کار خودم را کردم. حالا بقیه می‌دانند چه کنند.» به هر حال پیرنیا یک روز برای همیشه به قدم‌های استوار و مصمم از در خروجی رادیو بیرون رفت و دیگر هیچ‌گاه حتی در چهارچوب ورودی رادیو نایستاد! او زمانی برنامه‌ای که خالقش بود و با تمام وجودش برایش تلاش کرده بود را برای همیشه رها کرد اما هرگز هیچ‌کسی نمی‌تواند، منکر تلاش‌ها و خدمات شایسته او به موسیقی ایران نشود. او چونان بر موسیقی ایران اثر گذاشت که هنوز هم نام «گل‌ها» که می‌آید، صدای گرم راوی و نوای خوش موسیقی در ذهن‌مان نقش می‌بندد و اینگونه می‌توانیم، گوشه چشمی به موسیقی اصیل ایرانی هرچند در تخیلات خود داشته باشیم. او بود که مردم را با موسیقی آشتی داد و موسیقی را به میان مردم کوچ و بازار برد و موجب شد، زمانی هر فردی حداقل بتواند یک بیت شعر از شاعران نامدار ایرانی را از بر بخواند.

از حقوق تا موسیقی

پیرنیا در زمان نخست‌وزیری احمد قوام در ۱۳۲۵ خورشیدی به عنوان مدیر کل بازرسی نخست‌وزیر انتخاب و پس از چند ماه معاون نخست‌وزیر شد اما او که در زمان تحصیل حقوق در سوئیس، نواختن پیانو را فرا گرفته بود و با اصول و قواعد موسیقی کلاسیک آشنا شده بود، سرانجام عشقش به موسیقی اصیل و سنتی ایران، او را بر آن داشت تا پس از سقوط دولت قوام،

مشاغل دولتی را کنار بگذارد و به مطالعه در زمینه موسیقی ایران بپردازد. به همین دلیل هم به جمع‌آوری آهنگ‌های اصیل ایرانی مشغول شد و با جدیت، هدف خود را دنبال کرد و برنامه‌های شاخصی چون «گل‌ها» که امروزه هم‌چون گنجینه‌ای گران‌بها از گذشته به یادگار مانده را از خود به یادگار گذاشت و موسیقی اصیل ایرانی را نه تنها به مردم ایران بلکه به دیگر ممالک معرفی کرد. در برنامه «گل‌ها» بسیاری از هنرمندان جوان آن دوره به واسطه اجرایی که داشتند در جامعه شناخته شدند. برای نمونه علی تجویدی پیش از این‌که به این برنامه بپیوندد، شناخته شده نبود اما بعد از اجرا در این برنامه، چهره‌ای مطرح شد. بنابراین تلاش‌های پیرنیا به ثمر نشست و این برنامه باعث شناخته شدن چهره‌های مطرحی در موسیقی شد.

سرانجام مبدع گل‌ها

چگونگی رفتار با شخصیت بزرگ و قابل احترامی مانند داوود پیرنیا باعث شد تا او برای همیشه از برنامه گل‌ها برود و دیگر حاضر به ادامه خدمت نشود و اصرار دوستان و علاقمندان او هم مفید واقع نشد تا اینکه به سبب سکت قلبی در بیمارستان بستری شد. در همین زمان معین افشار، دوست صمیمی و با وفای او که تا پایان دوره خدمت پیرنیا در رادیو با او همکاری داشت، سبلی از گل برایش هدیه آورد که روی کارت همراه گل‌ها این رباعی متناسب با گل‌ها را نوشته بود:

تا مهر درخشنده و مه تابان باد

عمر تو چون گل‌های تو جاویدان باد
چون آن همه شاخه‌های گل کز تو شکفت

پیوسته دلت شاد و لب‌ت خندان باد
تا اینکه این شخصیت فرهنگی در ۱۱ آبان ۱۳۵۰ در حالی که ۷۱ سال داشت، چشم از جهان فروبست و «گل‌ها» سال‌ها پس از درگذشت پیرنیا نیز ادامه داشت و راهی برای ورود هنرمندان نوگرا شد اما گل‌های آنان رنگ و بوی گل‌های پیرنیا را نداشت. پرویز باحقی بزرگ‌ترین فاجعه‌ای که بعد از پیرنیا در این مورد به وقوع پیوست را از هم پاشیده شدن ارکستر بزرگ گل‌ها می‌داند و می‌گوید: «با آن همه مهارت و زحمت درست شده بود که تعدادی از این هنرمندان را فریدون ناصری هنرمند ارجمند از دیگر دستگدهای هنری مملکت با چه خون دلی برای همکاری با برنامه «گل‌ها» به رادیو آورده بود، نمی‌آمدند همکاری کنند و می‌گفتند آقا، آن دستگاه ما را اخراج می‌کند و حقوقمان را نمی‌دهد ولی آقای ناصری به خاطر سوابق دوستی و معنوی که با زنده‌نام داوود پیرنیا داشت این هنرمندان را آوردند و آن برنامه‌های ارزنده را نواخته و ضبط شد... در هر حال بعد از پیرنیا با یک دست گروهی از آدم‌هایی که با این مسایل بیگانه بودند و نمی‌دانستند کار هنری، موسیقی، شعر، شاعری و فرهنگ صوتی چیست، ضابطه به رابطه بدل شد، یعنی حسن علی‌خان هم که در ارکستر مثلاً شماره ۲ کاری ارایه کرده بود را آوردند و گفتند آقا یک شعر اول و یک شعر هم آخر و یک قطعه ساز هم وسطش بگذار! این هم می‌شود برنامه گل‌ها. اولاً اینجا این ضابطه شکست و هر کسی را پید کرد، البته اشتباه نشود، اینجا مساله رانندگان نبود و این فکر پیش نیاید که راه برای عده‌ای بسته شده بود. گل‌ها یک برنامه وسیع و پرمحتوا با تکنیکی عالی بود که هر کسی راهی در آن نداشت و نمی‌توانست در یک چنین برنامه‌ای راه داشته باشد، جز اساتید و چیزی لازم بود که در حد و شأن گل‌ها بود که در وجود خیلی‌ها آن چیز وجود نداشت و متأسفانه با فوت داوود پیرنیا، این حد و مرز به هم خورد. همه راه پیدا کردند و برنامه گل‌ها به حد یک برنامه معمولی و عادی و بعضی مواقع حتی به صورت یک برنامه ساده تنزل پیدا کرد.»

راه میان نبر نویسندہ شدن

روایت **اسماعیل زرعی** از نقش کارگاه‌ها و کتاب‌های داستان‌نویسی در پرورش نویسندگان جوان

بزرگی شد. در سایر استان‌ها نیز کمابیش با جمعیتی کمتر یا بیشتر اوضاع به همین گونه بوده است و برخی هم به راستی محروم از همراه یا همراهانی چراغ‌به‌دست.» او در ادامه درباره نقش رضا برهانی و جمال میرصادقی در گسترش آموزش داستان‌نویسی می‌گوید: «نیاز به فراگیری آموزش داستان‌نویسی هم‌چنین داشتن مرجعی برای ارجاع و گرفتن پرسش‌های ادبی از دیرباز در ذهن و نگاه بسیاری که دستی به قلم داشته‌اند، بوده است؛ اما از زمان شروع داستان‌نویسی به شکل نوین، مدت‌ها طول کشید تا کسانی مثل رضا برهانی همت کنند و با انتشار کتاب‌های آموزشی در زمینه داستان، خواسته جویندگاه راه را جامه عمل ببوشانند. انتشار آثار آموزشی ارجمندانی نظیر رضا برهانی و جمال میرصادقی، نیاز جامعه ادبی بوده است؛ به ویژه برای کسانی که از گردهمایی‌ها، محافل ادبی هم‌چنین وجود داستان‌نویسان با تجربه‌ای که راهنمای نوآمدگان دور بوده‌اند. بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت کتاب‌های آموزشی رضا برهانی، جمال میرصادقی، کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی هوشنگ گلشیری و فعالیت‌های سایرین زمینه‌ساز ظهور داستان‌نویسان توانمندی بوده است. جدا از نشست‌ها و محافل داستان‌خوانی که در حاشیه نقد و نظرها نکات آموزشی نیز ارائه می‌شد، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های داستانی آن‌چنان که این روزها برپاست، سابقه چندانی ندارد. درواقع گمان می‌کنم، انتشار آثار آموزشی انگیزه‌ای شد تا رویکرد به آموزش مستقیم علاقمندان به داستان‌نویسی و برگزاری کارگاه‌ها هم در اذهان کسانی که توانایی اداره آنها را در خود می‌دیدند، شکل بگیرد که عمر این حرکت از ۴۰، ۵۰ سال فراتر نمی‌رود؛ البته با این توضیح که از برخی فعالیت‌های ادبی که به احتمال بوده است بی‌خبرم.» اسماعیل زرعی در ادامه درباره تأثیر برگزاری کارگاه‌های آموزش داستان‌نویسی بر پرورش نویسندگان جوان می‌گوید: «بی‌گمان تأثیر مثبت فراوانی داشته است. برخلاف نسل من و نسل‌های پیش از من که زمان بسیاری صرف می‌شد تا از

اسماعیل زرعی از نویسندگانی است که در مسیر تحول ادبی، از رئالیسم آغاز کرده و به مدرنیسم و پسامدرنیسم رسیده است. آثار او سرشار از نگاه انتقادی، انسان‌گرایی و تأمل در رنج‌ها و تناقض‌های زندگی معاصر است. سال ۱۳۹۳ او برای داستان کوتاه «جهنم به انتخاب خودم» موفق به دریافت جایزه ادبی صادق هدایت شد و برخی آثارش نیز در جشنواره‌های ادبی دیگر مورد تقدیر قرار گرفته‌اند و نام او در فهرست نویسندگان شاخص معاصر ایران ثبت شده است. آخرین کتاب او با عنوان «داستان‌نویسی از نمای نزدیک: مبانی کاربردی داستان برای نویسندگان تجربه‌گرا» است. زرعی در گفت‌وگویی که به مناسبت انتشار این کتاب با اینا داشته، می‌گوید: «برای تبدیل شدن به داستان‌نویسی خوب، آگاهی از اصول و مبانی داستان ضروری است؛ به‌علاوه مهارت لازم برای به خدمت گرفتن آموخته‌ها، چون اگرچه بسیاری اشخاص فقط با انکا به قریحه قصه‌گویی مبادرت به نگارش می‌کنند اما تا هنگامی که استعداد ذاتی با آموزش کافی توأم نباشد و تلاشی جدی به همراه نداشته باشد، حاصل کار چندان رضایت‌بخش نخواهد بود.»

نقش پیش‌گام گلشیری، برهانی و میرصادقی

این نویسنده و پژوهشگر ادبیات داستانی درباره پیشینه آموزش داستان‌نویسی در ایران می‌گوید: «آموزش داستان‌نویسی به شکلی که این روزها رایج است، پیشینه دیرینه‌ای ندارد. در واقع نسل من و پیش از من در این زمینه دوره‌ای را نگذرانده‌اند؛ هرچه بوده، خودآموز بوده است؛ یادگیری از طریق خواندها و نوشتن به عبارتی همراه با آزمون و خطا. گاهی بخت با برخی یار بوده است تا جمعی فراهم شوند، کنار یکدیگر بنشینند و به نقد آثارشان بپردازند که به تبع، آموزش از دل نقدها سر می‌کشیده است، مثل نشست‌های داستانی دوران جوانی هوشنگ گلشیری و دوستانش در اصفهان که می‌بینیم همین هم‌نشینی در نهایت زاینده چه داستان‌نویسان

گزارش

همیشه پای ساترا در میان است

پیرپسر پس از یک هفته اکران آنلاین، توقیف شد!



«پیرپسر» را در پلنفرم‌های خانگی نمایش دهند، اکران آنلاین را جایگزین کنند. به این ترتیب در روزهای گذشته با وجود آنکه فیلم در کانال‌های تلگرامی و فضای اینترنت در اختیار مردم قرار گرفته بود، دست‌اندرکاران آن با درخواست از مردم برای تماشای نسخه قانونی «پیرپسر» را در پلنفرم فیلم‌نت به نمایش گذاشتند. اما شنبه ۱۰ آبان ماه ساترا این اکران آنلاین را متوقف کرد.

گویی توقیف یک فیلم با سریال تبدیل به عادت مألوف برای ساترا شده است و اگر هر از گاهی خبری مبنی بر توقیف یک اثر از این نهاد منتشر نشود، مدیران آن مظنون به کم‌کاری می‌شوند. توقیف برای آنها مانند برگ برنده‌ای عمل می‌کند که جزء بیلان کاری‌شان به حساب می‌آید، آنها باید هرچند وقت یک بار آن را ارائه دهند تا گروهی از مخالفان خود را کمی راضی کنند. پیش از این درباره سریال سووشون و بعدتر بامداد خمار مسایلی مطرح شد. حالا این بار نوبت به «پیرپسر» رسیده است و هر اتفاقی که افتاده باشد و هر حکم قضایی که در این باره صادر شده باشد، یک سر آن به ساترا می‌رسد چراکه توقیف فیلمی که نزدیک به ۶ ماه روی پرده بود، یکی از گزینه‌های معرفی به آکادمی اسکار بوده، بیشترین نقد و تحجید را

یک هفته پس از اکران آنلاین فیلم «پیرپسر» به کارگردانی اکتای برهانی، کارگردان از توقف ناگهانی اکران آنلاین این فیلم خبر داد. این فیلم حدود یک هفته پیش قاچاق شد و همین باعث شد به سرعت اکران آنلاین آن آغاز شود.

از عجایب این روزهاست که فیلمی که از خرداد ماه روی پرده سینماها رفته و تا به امروز پرفروش‌ترین فیلم سال و فیلم اجتماعی در دهه گذشته لقب گرفته با فروش بیش از ۱۸۰ میلیارد تومان حالا از پلنفرم حذف می‌شود. گویا آقایان و مدیران ساترا با اکران فیلم در سینماها و پرفروش شدن آن مشکلی نداشتند و حالا با ورود آن به شبکه خانگی مخالف نمایش آن شدند. اکران آنلاین فیلم «پیرپسر» توسط ساترا متوقف و دلیل آن صادر نشدن مجوز از سوی سازمان سینمایی اعلام شده است اما گویا سازمان سینمایی مخالفتی با اکران آنلاین فیلم نداشته و مساله اصلی، درخواست‌های غیرسینمایی برای اصلاح محتوایی فیلم است.

پس از آنکه «پیرپسر» قاچاق شد و نسخه غیرمجاز از آن در فضای مجازی به‌طور گسترده در دسترس قرار گرفت، سازندگان فیلم تصمیم گرفتند برخلاف قرار قبلی که می‌خواستند، نسخه سریالی

دیدگاه:یادداشت اقتصادی

روزهای خوب خدمتکاران خانه‌های لوکس

بازار کار خدمتکاران خصوصی چگونه متحول شد؟

مهتا معرفت
مترحم

در حالی که بسیاری از مشاغل در ایالات متحده پس از همه‌گیری کرونا با رکود یا تغییر ساختار مواجه شدند، یکی از بخش‌هایی که به طرز غیرمنتظره‌ای رشد چشمگیر داشته، خدمات خانگی برای خانواده‌های فوق‌ثروتمند است. براساس گزارش‌های جدید از شرکت‌های کاریابی لوکس در آمریکا، میانگین دستمزد سالانه خدمتکاران و نیروهای خدماتی خانه‌های میلیونرها و میلیاردرها اکنون به حدود ۱۰۰ هزار دلار در سال رسیده است؛ رقمی که پیش از همه‌گیری کرونا حدود ۶۰ هزار دلار بود. این جهش ۴۰ درصدی در درآمد، بازتابی از کمبود شدید نیروی کار ماهر در بخش خدمات خصوصی است. کارفرمایان ثروتمند حاضرند، مبالغ قابل‌توجهی برای یافتن و حفظ نیروهای مطمئن، آموزش‌دیده و وفادار بپردازند. در برخی موارد خانواده‌های ثروتمند حتی پاداش‌های نقدی، بیمه درمانی سطح بالا، اقامت رایگان، یا خودروهای لوکس در اختیار کارکنان قرار می‌دهند تا بتوانند آنها را در بازار رقابتی کنونی حفظ کنند. یکی از عوامل اصلی افزایش حقوق، تغییر نگرش عمومی نسبت به مشاغل خدماتی پس از کروناست. در دوران همه‌گیری، بسیاری از نیروهای خدمات خانگی از کار بیکار شدند یا به شغل‌های دیگر روی آوردند. پس از بازگشایی اقتصاد، تنها بخش کوچکی از آنها به این حرفه بازگشتند. از سوی دیگر، محدودیت‌های مهاجرتی و کاهش ورود نیروی کار خارجی – که بخش مهمی از کارکنان خدماتی در آمریکا را تشکیل می‌دادند – موجب شد تا عرضه نیروی کار در این بخش کاهش یابد. کارفرمایان اکنون برای یافتن نیروی قابل اعتماد و آموزش‌دیده با چالش جدی مواجه‌اند. در بسیاری از شهرهای بزرگ از جمله نیویورک، لس‌آنجلس و میامی، شرکت‌های خدماتی گزارش داده‌اند که تقاضا برای خدمتکاران، سرآشپزهای شخصی، رانندگان و مدیران خانه تا دو برابر افزایش یافته است در حالی که تعداد متقاضیان کار نسبت به سال ۲۰۱۹ تقریباً نصف شده است. خدمتکاران و مدیران خانه‌هایی که چنین دستمزدهایی دریافت می‌کنند، اغلب افرادی با تجربه بالا، مهارت‌های چندگانه و گاهی‌های حرفه‌ای هستند. برخی از آنها دوره‌های تخصصی در زمینه مدیریت خانه‌های بزرگ، نگهداری از آثار هنری، سرویس‌دهی رسمی، آشنیزی بین‌المللی و حتی اصول رفتار با افراد مشهور را گذرانده‌اند. در خانه‌های بسیار لوکس که ممکن است چندین ملک در شهرهای مختلف داشته باشند «مدیر خانه» وظیفه هماهنگی بین کارکنان، نگهداری املاک و حتی نظارت بر بودجه خانوادگی را برعهده دارد. دستمزد چنین افرادی گاهی از ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار دلار در سال نیز فراتر می‌رود.

ادامه یادداشت روز

موانع فرزندآوری

در ایسن فضا، دروغ‌گویی به امری عادی تبدیل شده است. مسئولان حتی گاهی به‌صورت آشکار دروغ می‌گویند و هیچ‌گونه بازخواستی در این زمینه صورت نمی‌گیرد. به‌عنوان نمونه، پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، یکی از نمایندگان مجلس اعلام کرد که بسیاری از آمارهایی که در مورد سرنوگونی جنگنده‌ها و کشف کارگاه‌های تولید پهپاد منتشر شده بود، نادرست بوده است. این دروغ‌گویی‌ها موجب از بین رفتن اعتماد عمومی به مسئولان کشور شده است. در نهایت، در شرایطی که مسئولان به‌جای رفع مشکلات اصلی، به‌دنبال تشویق مردم به افزایش جمعیت هستند باید توجه داشته باشند که مردم به وعده‌های آنان بی‌اعتماد شده‌اند. وضعیت معیشتی مردم روز به روز دشوارتر می‌شود و مسئولان هیچ همدردی و درکی نسبت به شرایط واقعی مردم ندارند. برخی مسئولان اخیراً اظهار کرده‌اند که «در کشور ما استان محرومی وجود ندارد» اما چنین سخنانی نشان‌دهنده ناآگاهی از واقعیت‌های جامعه است. بسیاری از استان‌ها در بالاترین درجات محرومیت قرار دارند و بسیاری از کودکان حتی از ابتدایی‌ترین امکانات آموزشی محرومند. تشویق به افزایش جمعیت بدون توجه به مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن و رفاه فقط یک شعار غیرواقع‌بینانه است. برای حل این مسائل ابتدا باید زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی اصلاح شوند. پس از فراهم شدن این شرایط، آنگاه می‌توان از مردم انتظار داشت که به توصیه‌ها و سیاست‌ها عمل کنند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

حاشیه دستمزد

چرا تعیین حداقل دستمزد در ایران همچنان مناقشه‌برانگیز است؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

در واپسین ماه‌های هر سال همزمان با افزایش تب تورم و دغدغه‌های معیشتی مردم، نگاه‌ها دوباره به اتاق‌های بسته‌ای دوخته می‌شود که در آن نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت به گفت‌وگو می‌نشینند تا عددی را تعیین کنند که زندگی میلیون‌ها کارگر به آن وابسته است؛ حداقل دستمزد سال آینده. برای بسیاری از خانواده‌های کارگری، نتیجه این جلسات سرنوشت یک‌ساله آنان را رقم می‌زند؛ عددی که می‌تواند مرز میان فقر و بقا را تعریف کند. اما پرسش اصلی همچنان باقی است: چرا پس از دهه‌ها تجربه هنوز توافقی پایدار و منطقی بر سر نحوه تعیین حداقل دستمزد در ایران به دست نیامده است؟

در سالیان اخیر، چالش‌های فراوانی در زمینه تعیین حداقل دستمزد مطرح شده است. گروهی از کارشناسان و نمایندگان کارگری بر این باورند که دستمزد پرداختی به نیروی کار در تأمین نیازهای اولیه زندگی ناکارآمد است و با هزینه‌های واقعی معیشت همخوانی ندارد. در مقابل، گروهی از کارفرمایان و برخی اقتصاددانان معتقدند، افزایش بیش از حد دستمزدها بدون رشد بهره‌وری، می‌تواند به زیان تولید تمام شود و حتی منجر به تعطیلی واحدهای کوچک و متوسط شود. از این‌رو، آنان بر کنترل رشد دستمزد و گاه حتی بر بازنگری در اصل تعیین حداقل دستمزد پافشاری می‌کنند. برای رسیدن به این تصمیم از دی

ماه هر سال جلسات متعددی در قالب کمیته مزد برگزار می‌شود که به‌عنوان بازوی مشورتی شورای عالی کار عمل می‌کند. این جلسات به میزبانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با حضور نمایندگان سه‌جانبه کارگری، کارفرمایی و دولت تشکیل می‌شود. در کنار این سه ضلع اصلی، نهادهایی چون مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس، بانک مرکزی و وزارت بهداشت نیز با ارائه گزارش‌ها و داده‌های اقتصادی و اجتماعی در تعیین شاخص‌های اصلی مؤثرند. در این جلسات، محور اصلی مناقشه میزان رشد حداقل دستمزد برای سال آینده است. نمایندگان کارگری همواره تأکید دارند که افزایش حقوق باید متناسب با نرخ تورم و هزینه واقعی سبد معیشت خانوار باشد، در حالی که کارفرمایان نگران فشار مضاعف بر بنگاه‌های تولیدی هستند. به گفته آنان، افزایش شدید هزینه نیروی کار در شرایطی که بسیاری از صنایع با رکود و محدودیت نقدینگی مواجه‌اند، می‌تواند به کاهش اشتغال و افزایش غیررسمی‌سازی بازار کار منجر شود.

نمایندگان دولت نیز معمولاً نقشی میانه‌گیر دارند و می‌کوشند با استفاده از داده‌های آماری، تصمیمی «متعادل» اتخاذ شود که

بازار سهام

روز پر ماجرا

چرا نوسان بورس تهران زیاد بود؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بازار سهام ایران در روز یک‌شنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴ یکی از پرنوسان‌ترین روزهای معاملاتی آبان را پشت سر گذاشت. شاخص کل بورس که در دقایق ابتدایی معاملات با فشار فروش و افت حدود ۱۳ هزار واحدی مواجه شد، در نیمه دوم بازار با افزایش تقاضا به‌ویژه در گروه‌های بزرگ، روندی صعودی به خود گرفت و نهایتاً با رشد ۱۰ هزار و ۲۹۹ واحدی معادل ۰٫۳۲ درصد در سطح ۳ میلیون و ۲۱۷ هزار و ۷۴۷ واحد ایستاد. در آغاز معاملات دیروز، جو عمومی بازار منفی بود و بیشتر نمادهای شاخص‌ساز با فشار عرضه روبه‌رو شدند. شاخص کل هم‌وزن نیز هم‌سو با شاخص کل در مسیر نزولی حرکت کرد و در نیمه نخست بازار، بخشی از ارزش خود را از دست داد. با این حال از اواسط زمان معاملات ورق بازار

ضمن حفظ قدرت خرید کارگران، بار مالی سنگینی بر دوش تولیدکنندگان نگذارد. اما در عمل به دلیل فاصله قابل توجه میان برداشت‌ها و منافع هر طرف، این مذاکرات تقریباً هر سال تا واپسین روزهای اسفند ادامه پیدا می‌کند و معمولاً نتیجه نهایی با رضایت کامل هیچ‌کدام از طرفین همراه نیست. در چنین فضایی پرسش مهمی مطرح می‌شود: چرا پس از سال‌ها برگزاری این جلسات و چانه‌زنی‌های تکراری هنوز روشی مشخص، علمی و قابل قبول برای تعیین دستمزد طراحی نشده تا بر اساس آن، فرآیند تصمیم‌گیری از مسیر چانه‌زنی‌های احساسی به نظامی مبتنی بر داده‌های اقتصادی و توافق جمعی تبدیل شود؟

یکی از محورهای اصلی اختلاف، نحوه محاسبه «سبد



معیشت» است. طبق ماده ۴۱ قانون کار، حداقل دستمزد باید بر اساس نرخ تورم رسمی و هزینه تأمین معیشت خانوار تعیین شود. با این حال، در جلسات کمیته مزد، تفسیرهای متفاوتی از مفهوم «معیشت» وجود دارد. نمایندگان کارگری تأکید دارند که هزینه واقعی زندگی در کلان‌شهرهایی چون تهران، اصفهان یا شیراز به‌مراتب بیش از میانگین ملی است و تعیین عددی واحد برای همه مناطق کشور ناعادلانه است. در مقابل، کارفرمایان معتقدند، دستمزد باید متناسب با توان پرداخت کارگاه‌ها و بنگاه‌ها باشد نه صرفاً با شاخص هزینه زندگی. سال‌ها اجرای سیاست حداقل دستمزد یکسان در سراسر کشور سبب شده تا کارگران در شهرهایی با هزینه‌های بالاتر – به‌ویژه تهران – از سطح زندگی مناسبی برخوردار نباشند. آمارها نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد از خانوارهای فقیر در تهران دارای سرپرست شاغل هستند؛ به این معنا که داشتن شغل الزاماً به معنای خروج از فقر نیست. این پدیده نشان می‌دهد که شکاف میان دستمزد و هزینه واقعی زندگی در کلان‌شهرها به سطح نگران‌کننده‌ای رسیده است.

در مقابل، در استان‌هایی با هزینه زندگی پایین‌تر مانند سیستان و

بلوچستان یا خراسان جنوبی، بخشی از کارگران به دلیل فعالیت در کارگاه‌های غیررسمی یا کشاورزی، دستمزدهایی پایین‌تر از حداقل مصوب دریافت می‌کنند و عملاً از مزایای قانون کار بی‌بهره‌اند. بدین ترتیب، نظام یکسان دستمزد نه تنها عدالت منطقه‌ای را تأمین نکرده بلکه در برخی موارد منجر به گسترش اشتغال غیررسمی شده است. در چنین شرایطی بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر اجرای نظام دستمزد منطقه‌ای یا صنفی تأکید دارند. در این رویکرد حداقل دستمزد بر اساس هزینه‌های واقعی معیشت در هر منطقه یا هر صنعت تعیین می‌شود. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد، اجرای چنین سیاستی می‌تواند بین ۲۰ تا ۵۷ درصد از کارگران کشور را منتفع کند و تنها برای حدود ۴۳ درصد دیگر – که هم‌اکنون دستمزد بالاتری دریافت می‌کنند – بی‌تأثیر باقی بماند.

با این حال، مخالفان این طرح معتقدند، تعیین دستمزدهای متفاوت در مناطق مختلف ممکن است موجب جابه‌جایی نیروی کار و مهاجرت معکوس شود یا به سوءاستفاده برخی کارفرمایان در مناطق کم‌هزینه منجر گردد. از دید آنان، اجرای چنین سیاستی نیازمند زیرساخت‌های دقیق آماری و نظارتی است که هنوز در کشور به‌صورت کامل فراهم نشده است. از سوی دیگر، بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که ریشه اصلی بحران در تعیین دستمزد نه در فرمول محاسبه بلکه در نارسایی ساختار اقتصادی و ضعف

بهروری نیروی کار است. در اقتصادی که رشد تولید پایین و تورم بالاست، هرگونه افزایش دستمزد بدون رشد واقعی بهره‌وری به سرعت توسط تورم بلعیده می‌شود. در نتیجه، نه کارگر از افزایش حقوق خود منتفع می‌شود و نه کارفرما از ثبات هزینه‌ها بهره‌مند می‌گردد. از منظر اجتماعی نیز ادامه مناقشه بر سر حداقل دستمزد، نشانگر شکاف عمیق میان انتظارات نیروی کار و توان مالی کارفرمایان است. در شرایطی که تورم سالانه در ایران اغلب بالاتر از ۳۰ درصد است، تعیین دستمزدی که بتواند حتی بخشی از قدرت خرید از دست‌رفته کارگران را جبران کند به چالشی بزرگ تبدیل شده است. در این میان، بسیاری از خانواده‌های کارگری برای گذران زندگی ناچار به اشتغال همزمان چند عضو خانواده یا روی آوردن به

مشاغل دوم و سوم شده‌اند.

برخی تحلیلگران پیشنهاد می‌کنند که فرآیند تعیین دستمزد باید به‌صورت اتوماتیک و مبتنی بر شاخص‌های اقتصادی رسمی انجام شود تا از تنش‌های سالانه کاسته شود. برای مثال، می‌توان سازوکاری طراحی کرد که هر سه ماه یک بار بر اساس میانگین تورم، حداقل دستمزد به‌طور خودکار تعدیل گردد. این روش ضمن کاهش فشار مذاکرات سالانه، شفافیت بیشتری در سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند و اعتماد اجتماعی به نظام مزد را افزایش می‌دهد. در نهایت، تجربه سه دهه اخیر نشان می‌دهد که تداوم سیاست‌های دستمزدی فعلی بدون اصلاح ساختاری، تنها می‌تواند، نقش مُسکن موقتی برای معیشت کارگران ایفا کند. برای دستیابی به نظامی پایدار و عادلانه، نیاز است هم دولت و هم شرکای اجتماعی – کارفرمایان و کارگران – به سمت مدلی علمی، منطقه‌ای و مبتنی بر داده‌های واقعی معیشتی حرکت کنند. تنها در این صورت است که تعیین دستمزد از عرصه جدال سالانه خارج شده و به ابزاری مؤثر برای عدالت اقتصادی و توسعه پایدار تبدیل خواهد شد.

بسته شدند که نشان از بهبود کلی جو معاملاتی دارد.

حجم کل معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی دیروز به ۳۱/۸ میلیارد سهم و ارزش معاملات به ۱۴،۴۱۸ میلیارد تومان رسید. میانگین سرانه خرید حقیقی‌ها ۷/۶۷۶ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۸/۷۵ میلیون تومان بود که نسبت قدرت خرید حقیقی به فروش را به عدد ۱/۰۱ رساند؛ به این معنا که خریداران حقیقی کمی فعال‌تر از فروشندگان عمل کردند. در مجموع، حدود ۸۰ میلیارد تومان ورود پول حقیقی به بازار ثبت شد که نشانه‌ای از بازگشت دوباره اعتماد به معاملات روزانه است.

در سوی مقابل، خروج ۷۱۳ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران از وضعیت کم‌ریسک فاصله گرفته و به سمت بازار سهام و بازارهای موازی حرکت کرده‌اند. این تغییر جریان نقدینگی در صورت تداوم، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت معاملات در روزهای آینده شود البته به شرطی که پول خارج شده از درآمد ثابت‌ها به سمت سهام حرکت کند. ارزش کل سفارش‌های خرید در پایان معاملات به ۲،۴۵۷ میلیارد تومان رسید که در مقابل، ارزش سفارش‌های فروش تنها ۸۲۲ میلیارد تومان بود. همچنین تعداد صف‌های خرید ۱۵۹ مورد و صف‌های فروش ۴۷ مورد گزارش شد. این آمار حاکی از برتری سمت تقاضا در دقایق پایانی بازار است و می‌تواند، نشانه‌ای از ادامه حمایت خریداران در معاملات روز دوشنبه باشد.



خروج اساتید

سازندگی دلایل خروج اساتید را از دانشگاه‌های کشور بررسی می کند

گروه اجتماعی: در ۷ سال گذشته حدود ۵۰ عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف از این دانشگاه جدا شده‌اند؛ رقمی که شاید در ظاهر چندان بزرگ به‌نظر نرسد اما در دانشگاهی با حدود ۴۶۰ استاد و نقشی راهبردی در تولید نخبگان و پیشبرد علم، زنگ خطری جدی است. شریف سال‌ها نماد نخبه‌پروری و علم‌ورزی در ایران بوده و خروج حتی چند استاد برجسته از آن، نشانه‌ای هشداردهنده از بحران عمیق‌تر در نظام آموزش عالی است؛ بحرانی که اکنون نه فقط شریف بلکه کل دانشگاه‌های کشور را درگیر کرده است.

در نگاه نخست شاید خروج این تعداد عددی کوچک به نظر برسد؛ سالانه کمتر از ۱۰ نفر در دانشگاهی با حدود ۴۶۰ استاد. اما اهمیت این عدد نه در کمیت که در ماهیت و کیفیت آن نهفته است. شریف، دانشگاهی است که سال‌ها نماد نخبه‌پروری ایران بوده و خروج حتی یک استاد برجسته از آن می‌تواند، نشانه‌ای هشداردهنده درباره وضعیت آموزش عالی و سرمایه انسانی کشور باشد. چندی پیش هم حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم درباره وضعیت اعضای هیأت علمی کشور گفت: «در چند سال اخیر حدود ۲۵ درصد از اساتید مهاجرت کرده‌اند و این عدد واقعاً نگران‌کننده است». به گفته او، این مهاجرت‌ها دلایل متعددی دارد؛ از عوامل شغلی و اقتصادی گرفته تا فشارهای اجتماعی و سیاسی. بررسی‌ها نشان داده که برخی از این استادان حتی دیگر قصد بازگشت

سلامت

کمبود انسولین

رئیس سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو با سازندگی: مشکلی برای عرضه انسولین در کشور وجود ندارد



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

برای افراد مبتلا به دیابت، انسولین حکم «شیشه عمر» دارد؛ در دسترس نبودن آن اضطراب دائمی پدید می‌آورد. حذف ارز دولتی واردات انسولین موجب افزایش سه برابری بهای این دارو در بازار شده و بیماران را در تنگنای جدی قرار داده است. مدیرعامل انجمن دیابت ایران هشدار داده که «حذف ارز ترجیحی انسولین به‌عنوان یک داروی حیاتی می‌تواند به بحرانی گسترده در میان بیش از یک میلیون بیمار دیابتی وابسته منجر شود»؛ او تأکید کرده اگر بیمه‌ها تفاوت قیمت جدید و قدیم را پوشش ندهند، بسیاری از بیماران توان خرید دارو را از دست می‌دهند و نتیجه آن «فاجعه‌ای انسانی و اقتصادی» خواهد بود.

دیابت یک معضل جهانی رو به رشد است. بیش از ۵۸۰ میلیون نفر در جهان به این بیماری مبتلا هستند و حدود ۱۲ درصد از هزینه‌های بهداشتی دنیا صرف درمان آن می‌شود. در ایران نیز حدود ۱۴ درصد از جمعیت ۲۵ تا ۷۵ سال (حدود ۷.۵ میلیون نفر) مبتلا به دیابت نوع دو و نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر مبتلا به دیابت نوع یک هستند. در مجموع بیش از یک میلیون نفر در کشور برای ادامه زندگی به انسولین نیاز دارند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ شمار بیماران دیابتی در ایران به ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر برسد. این روند شتابان، اهمیت تضمین دسترسی پایدار به داروهای حیاتی از جمله انسولین را برجسته‌تر می‌کند.

از کل بیماران دیابتی حدود ۱۰درصد مبتلایان تیپ یک (نیازمند انسولین از ابتدا) و ۹۰درصد مبتلایان تیپ دو هستند که تقریباً نیمی از آنها در طول دوره بیماری خود سرانجام به انسولین نیاز پیدا خواهند کرد. به‌طور کلی تاکنون نزدیک به یک میلیون نفر در ایران از انواع انسولین‌های تزریقی استفاده می‌کنند. برای بسیاری از این بیماران، انسولین‌های جدید قلمی (از قبیل ترکیبی «رازیروگ») یا انسولین‌های زمانبر جدید (کیفیت زندگی را بهبود داده و بیا یک یا دو تزریق در روز، کنترل قند خون را ممکن کرده‌اند.

بسیاری از بیماران تنها از طریق بیمه می‌توانند دارو را با قیمت قابل تحمل تهیه کنند. قیمت هر قلم انسولین آزاد

به ایران را ندارند و جایگزین‌هایی که به جای آنها وارد دانشگاه می‌شوند، اغلب از مرتبه علمی پایین‌تری برخوردارند. وزیر علوم با تأکید بر تأثیر اقتصادی این روند گفت: «یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت، وضعیت معیشتی استادان است. حقوق اساتید در دانشگاه‌های همسایه بین ۴ تا ۷ هزار دلار است در حالی که حقوق یک استاد تمام با ۵۰ پایه در ایران به سختی به هزار دلار می‌رسد». او خبر داد که برای رسیدگی به این چالش، کارگروه ویژه‌ای تشکیل شده است تا مسائل اقتصادی، از جمله مسکن و درآمد استادان، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی برای کاهش نگرانی‌ها ارائه شود.

مهم‌ترین عامل بحران، وضعیت معیشتی اساتید عنوان می‌شود. حقوق اعضای هیأت علمی، به‌ویژه جوان‌ترها، در مقایسه با کشورهای همسایه بسیار پایین است. در حالی که دریافتی استادان در برخی کشورهای منطقه میان ۴ تا ۷ هزار دلار است، یک استاد تمام در ایران حداکثر حدود هزار دلار و اعضای جوان هیات علمی ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار دریافت می‌کنند. این اختلاف برای گروهی که باید تمرکز خود را بر پژوهش و آموزش بگذارند به فشار روزمره تبدیل شده است. بسیاری از اساتید جوان می‌گویند «ماندن در دانشگاه به سختی هزینه زندگی را پوشش می‌دهد» و پیشنهادهای خارجی، به‌خصوص از کشورهای حاشیه خلیج فارس، ترکیه و اروپا، به گزینه‌ای منطقی‌تر تبدیل شده است.

حدود ۱۵۰ تا ۲۴۰ هزار تومان است اما در نسخه بیمه‌ای حدود ۸۰ هزار تومان پرداخت می‌شود. برای یک بیمار دیابتی نوع یک، هزینه ماهانه انسولین با بیمه حدود ۸۰ هزار تومان است اما در صورت تهیه آزاد به حدود دو میلیون تومان می‌رسد؛ رقمی که بسیاری از خانواده‌ها توان تأمین آن را ندارند. علاوه بر این، هزینه اقلام مصرفی مانند نوار تست قند خون نیز بسیار بالاست و پوشش بیمه‌ای آن محدود است.

با این حال، گران شدن ناگهانی انسولین تبعات سنگینی دارد. دکتر سعید کلیاسی، رئیس هیات مدیره انجمن دیابت ایران، هشدار داده که حذف ارز دولتی برای انسولین ترکیبی داخلی (رازیروگ) بهای دارو را به حدود ۷۰۰-۸۰۰ هزار تومان می‌رساند؛ بسیاری از بیماران متوسط جامعه، توان پرداخت این قیمت را ندارند. وی می‌گوید در صورت افزایش ناگهانی قیمت، بیماران دوباره مجبور می‌شوند به رژیم‌های قدیمی و تزریق‌های متعدد بازگردند که نتیجه آن بالا رفتن خطر افت قند خون، کاهش کیفیت زندگی و بروز عوارض حاد (مانند هیپوگلیسمی شدید) و مزمن (کلوی، چشمی و عصبی) خواهد بود. بر اساس برآورد کارشناسان، دسترسی نداشتن به انسولین‌های با کیفیت جدید می‌تواند، هزینه‌های درمان آینده را چندین برابر کند؛ چون بیماری دیابت اگر کنترل نشود به سرعت به عوارضی نظیر کتواسیدوز دیابتی و نارسایی ارگان‌ها منجر می‌شود.

گزارش‌ها از کمبود انسولین در داروخانه‌ها حکایت می‌کند. در هفته‌های اخیر بیماران سراسر کشور برای یافتن انسولین مناسب با مشکل جدی روبه‌رو شده‌اند؛ واردات انواع انسولین اروپایی دچار اختلال شده و تخصیص مجوزها با تأخیر همراه بوده است. برخی منابع می‌گویند یکی از واردکنندگان، فشارهای تجاری برای محدود کردن رقابت واردات به سازمان غذاودارو وارد کرده که باعث نگرانی از دخالت منافع خصوصی در تأمین دارو شده است. کارشناسان امور بهداشت تأکید می‌کنند هر گونه وقفه در تأمین انسولین (چه به خاطر سهمیه‌بندی واردات و چه به خاطر آزادسازی ارز ترجیحی) «پیامدهای جدی برای سلامت بیماران و نظام درمانی» به دنبال خواهد داشت.

تجربه بیماران در میدان کمبود

بحران انسولین فقط اعداد و ارقام نیست؛ زندگی واقعی



شکار استعدادهای ایرانی

دانشگاه‌های معتبر و شرکت‌های فناوری بین‌المللی در سال‌های اخیر جذب جدی استعدادهای ایرانی را آغاز کرده‌اند. اعضای هیأت علمی شریف و دانشگاه‌های تراز اول دیگر به دلیل سابقه علمی و کیفیت پژوهشی در اولویت جذب قرار دارند. بسیاری از خروج‌ها تصادفی نیست؛ بلکه نتیجه برنامه‌ریزی هدفمند مؤسسات خارجی برای به‌کارگیری نخبگان ایرانی است. در مقابل، دانشگاه‌های ایران با محدودیت بودجه، امکانات پژوهشی ناکافی و فقدان سیاست‌های رقابتی، فرصت نگهداشت این سرمایه‌ها را از دست می‌دهند.

عامل دیگری که استادان به آن اشاره می‌کنند، فضای غیرعلمی و فشارهای بیرونی بر محیط دانشگاه است. بخشی از اعضای هیأت علمی به‌ویژه پس از تحولات اجتماعی سال ۱۴۰۱ احساس می‌کنند، آزادی آکادمیک کاهش یافته و تصمیم‌گیری علمی با مداخلات غیرتخصصی مواجه شده است. برخی استادان می‌گویند «دانشگاه دیگر محل تنفس

بیماران را نشانه گرفته است. بیماران می‌گویند هر ماه برای تهیه داروی زندگی خود دچار استرس و اضطراب می‌شوند. هر داروخانه‌ای که تماس می‌گیرند، موجودی انسولین پایان یافته و مجبور می‌شوند در اطراف تهران بدود تا دو قلم «نوویید» (سریع‌الاث‌ر) و «توجنو» (طولانی‌اثر) را تهیه کنند در حالی که چند روز پیش دارو برای آنها مساوی با رسیدن به کماست! کارشناسان و متخصصان داخلی صنعت دارو نیز درباره علت کمبودها هشدار داده‌اند. دکتر علیرضا استقامتی (استاد دانشگاه تهران) می‌گوید، انسولین در ایران از دو منبع وارداتی و تولید داخلی تأمین می‌شود؛ با این حال محدودیت در واردات خارجی باعث شده، پاسخگویی به نیاز بازار کامل نباشد. از سوی دیگر، بسیاری از بیماران همچنان به نسخه‌های خارجی اعتماد دارند و کمتر حاضر به مصرف نمونه‌های داخلی هستند؛ همین امر تقاضا از خارج را بالا برده و کمبود ایجاد کرده است. برای حل این مشکلات، او پیشنهاد می‌دهد کیفیت انسولین‌های تولید داخل ارتقا و نظارت بر تولیدشان افزایش یابد تا وقتی مردم به استفاده از نمونه‌های ایرانی اطمینان پیدا نکرده‌اند، نیاز کوتاهمدت بازار از طریق واردات جبران شود.

کمبود نداریم

با این حال مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو با سازندگی می‌گوید در این زمینه کمبودی نداریم. او تأکید می‌کند: در حال حاضر سه شرکت داخلی به‌طور فعال در زمینه تولید انسولین فعالیت دارند و هیچ کمبودی در تأمین این دارو وجود ندارد. انسولین ایرانی در تمام نقاط کشور به‌وفور در دسترس است و بیماران می‌توانند بدون دغدغه از آن استفاده کنند. او ادامه می‌دهد: با این حال برخی برندهای خارجی و وارداتی گاهی با کمبودهای مقطعی مواجه می‌شوند که این موارد به سرعت شناسایی و رفع می‌شود تا روند درمان بیماران دچار اختلال نشود.

به گفته پیرصالحی؛ هرچند تأمین ارز برای واردات دارو نیازمند هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف است اما سازمان غذا و دارو با جدیت و پیگیری‌های مستمر تلاش می‌کند تا ارز مورد نیاز با کیفیت مناسب تأمین شود. در این مسیر، نقش سازمان‌های بیمه‌گر نیز بسیار مهم است و انتظار می‌رود با همکاری بیشتر، پوشش بیمه‌ای داروها را تقویت کنند.

آزاد علمی نیست» و این عامل به اندازه مسائل اقتصادی در تصمیم برای مهاجرت مؤثر بوده است.

تشکیل کارگروه

به دنبال هشدارها، مسئولان آموزش عالی نیز از تشکیل کارگروه ویژه برای بررسی دلایل مهاجرت اساتید و تدوین راهکارهای مقابله با آن خبر داده‌اند. رئیس هیأت امنای وزارت علوم اعلام کرده که روند خروج اساتید در برخی دانشگاه‌های مهم کشور رو به افزایش است و وضعیت در رشته‌های استراتژیک نگران‌کننده‌تر است. از سوی دیگر، رؤسای دانشگاه‌های سطح یک کشور در نشست ویژه به مشکلات مالی و معیشتی اعضای هیأت علمی پرداختند. رئیس دانشگاه تهران ضمن تأکید بر اولویت معیشت دانشگاهیان به‌ویژه نیروهای جوان، اعلام کرد که حقوق اندک در مواردی به خروج اساتید توانمند منجر شده است. در این نشست همچنین موضوع استقلال مالی دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. رؤسای دانشگاه‌ها تأکید کردند که با وجود حق قانونی برای خودگردانی، در عمل ساختارهای فعلی مانع استقلال مالی دانشگاه‌هاست و همین مساله در اداره امور و تأمین منابع اختلال ایجاد کرده است. با وجود بیان آمارهای نگران‌کننده و تشکیل نهادهای تصمیم‌گیر برای رسیدگی به وضعیت هنوز مشخص نیست که اصلاحات اقتصادی و ساختاری مورد نیاز در چه زمان و با چه سرعتی اجرایی خواهد شد. وزارت علوم از پیگیری جدی خبر می‌دهد اما دانشگاهیان، نمایندگان مجلس و کارشناسان بر ضرورت تسریع در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای طرح‌ها تأکید دارند. ادامه وضعیت کنونی به معنای از دست دادن بخشی از مهم‌ترین سرمایه انسانی کشور است؛ سرمایه‌ای که نقش تعیین‌کننده در تولید علم، نوآوری و رشد آینده کشور دارد. بنابراین حل این چالش نیازمند اقدام فوری، برنامه‌ریزی هوشمندانه و توجه ویژه به جایگاه و معیشت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌هاست.

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۲۰۰۸۰۰۳۸۲۰ تاریخ ۱۴۰۴/۷/۵
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۲۶۵ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای تاجقلی صحنه، فرزند قلیچ به شماره شناسنامه ۱۷۴۲ و کد ملی ۴۹۷۹۴۹۷۶۶۷ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۹۶۷/۶۱ متر مربع، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱- اصلی واقع در آق قلا - اراضی قریه صحنه- بخش ۶-حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الق: ۸۶۹

تاریخ انتشار نوبت اول: روز یکشنبه ۱۴۰۴/۷/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز دوشنبه ۱۴۰۴/۸/۱۲

مهنازجهانفر

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۷۱۲۴۰۰۲۷۱۸ تاریخ ۱۴۰۴/۷/۰۸
هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای منصور عبودی فرزند مظلوم بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵۰۸ متر مربع پلاک ۹۷۵ اصلی واقع در بخش ۷ بلوی خریداری بعنوان مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه: ۲۰۳۹۵۱۹
(تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۸/۱۲)
(تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۲۸)
رئیس ثبت اسناد و املاک باوی- احمد شعبی



سال هشتم شماره ۲۱۰۳
دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴

آگهی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حرف‌چین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

نوبت اول

شناسه آگهی ۲۰۳۸۶۸۴



شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۲۲۴۰۰۰۰۸۴
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای RK-۴۰۲۱۶۰۱۵۱۵/ت ۵۰۶۵۹ شماره ۱۲-۰۲/۰۱ RK
موضوع مناقصه/شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید کولر ضد انفجار
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۱۵/۰۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/۱۳۳۴۰۲ ه ۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۱۲ هیأت وزیران می باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۳۰۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.
آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادات فنی/مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می گردد.
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پالایشگاه دوم - ساختمان مدیریت پالایشگاه دوم

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن های ۲۴۲۶-۲۴۴۸-۷۷۳۱۳۱۲۲۴۸ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

نوبت اول

شناسه آگهی: ۲۰۳۸۷۳۹



شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره ۳۵-۱۴۰۴-۱۳۵۸

شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۰۱۰۳۴۰۰۰۱۱۸

بر آورد کارفرما: **مبلغ ناخالص ۱۷٫۲۴۱٫۸۳۴٫۶۹۳٫۶۰۰ ریال برای مدت ۲۴ ماه می باشد.**
نحوه دریافت اسناد اعلام:

از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد حداکثر سه روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی به نشانی اینترنتی setadiran.ir سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و اسناد اعلام ارزیابی کیفی را دریافت نمایند. لازم به توضیح است که پس از انجام فرآیند ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه میان متقاضیان واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است ارائه مدارک هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
تاریخ تحویل پیشنهاد اعلام ارزیابی کیفی: چهارده روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد اعلام ارزیابی کیفی.
تاریخ تحویل مدارک مناقصه: تاریخ دریافت مدارک مناقصه و محل آن متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.

آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهاد: طبق تاریخ های مندرج در اسناد مناقصه. لازم به ذکر است پیشنهادات ارائه شده توسط مناقصه گران بایست تا ۳ ماه معتبر باشد.
در صورت نیاز به اطلاعات در خصوص بازگذاری مستندات در سامانه ستاد، متقاضیان می توانند با شماره تلفن ۵ و ۴۰۴۰۴۰۳۷۶۲۰۴-۲۱ تماس حاصل نمایند.
در صورت داشتن سوال در خصوص اسناد اعلام ارزیابی کیفی و نحوه تکمیل آن، متقاضیان می توانند نسبت به ارسال نامه به شماره نمابر ۵۷-۸۸۹۵۵۰۲۱ اقدام نمایند.
اطلاعات تماس جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ستاد: ۱۴۵۶-۲۱

شرکت نفت و گاز پارس (کارفرما) در نظر دارد انجام انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرح پروژه:

خدمات تامین غذا و هتل داری سکوهای دریایی ناحیه یک

شرایط مناقصه گر:

- ۱- داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه
- ۲- گواهی تعیین صلاحیت و رتبه بندی شرکت های خدماتی، پشتیبانی و فنی مهندسی صادره از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مرتبط با موضوع مناقصه
- ۳- ارائه تعهد نامه رعایت الزامات HSE در سرپرگ شرکت وفق فرمت مورد تایید مناقصه گزار.
- ۴- دارا بودن ظرفیت آماده به کار آزاد با ارائه خوداظهاری در سرپرگ شرکت، وفق فرمت مورد تایید مناقصه گزار.
- ۵- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱۷۲٫۳۴۰٫۸۳۴٫۶۹۳٫۶۰۰ ریال به صورت وجه نقد و یا ضمانت نامه معتبر بانکی از بانک های معتبر و مورد تایید کارفرما (بجز بانک های سپه و پاسارگاد)، مطابق با آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴
- ۶- ارائه اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبتی هیأت مدیره شرکت.
- ۷- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابداران رسمی ذی صلاح مربوط به سال ۱۴۰۲ یا سال ۱۴۰۳ به همراه تاییدیه ثبت صورتهای مالی حسابرسی شده در سامانه پردیس جهت تایید اصالت گزارش.

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگی

نوبت دوم

شناسه آگهی: ۲۰۳۶۶۶۷

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران (مناقصه شماره ۱۸/AA/۱۴۰۳)

به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۹۱۶۴۵۰۰۰۱۰۱

تجدید مناقصه

(و شرایط مناقصه گران متقاضی:

- ۱- داشتن تجربه در انجام خدمات مورد نیاز، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی انجام کار مطابق با استانداردهای رایج صنعت نفت.
- ۲- توانایی ارائه **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱٫۶۶۸٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (یک میلیارد و ششصد و هشتاد میلیون ریال)** حسب آیین نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت محترم وزیران و همچنین **تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه.** در ضمن تضامین صادره می بایست مطابق فرمتهای نمونه پیوست آیین نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد، معذور بوده و هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. همچنین از هر صورت وضعیت مناقصه گر برنده، ده درصد تحت عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می گردد.
- ۳- داشتن سابقه کار مفید و مرتبط با خدمات مورد نظر
- ۴- داشتن نیروهای متخصص در حوزه های فنی، اجرایی، برنامه ریزی، اداری، مدیریتی و همچنین تجهیزات مناسب مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت.
- ۵- دارا بودن شخصیت حقوقی
- ۶- ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی
- ۷- ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء

(ز) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارائه پیشنهاد به مدت ۹۰ روز می باشد.

(ج) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:

- ۱- با عنایت به ابلاغیه شماره ۹۳۵/۱۴۰۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید مؤکد بر الزام بکارگیری امضای الکترونیکی اسناد پاکت های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم)، کلیه مناقصه گران موظف می باشند تمامی اسناد پاکت های (ب) و (ج) را با امضاء الکترونیکی به همراه کپی ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، در موعد مقرر در اسناد مناقصه، از طریق سیستم سامانه ستاد بازگذاری نمایند. در غیر اینصورت مناقصه گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش گفته (به جز اصل ضمانت نامه) معذور خواهد بود.
- ۲- کلیه مناقصه گران واجد شرایط می توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و حداکثر ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با رعایت مفاد بند فوق) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهی نامه های ذکر شده در آگهی، نسبت به تغذیه اسناد پیش گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند. همچنین مناقصه گران می توانند جهت رؤیت آگهی به سایت های WWW.SHANA.IR و WWW.IOTCOIR مراجعه نمایند.

تذکر: مناقصه گزار در قبول یا رد مدارک مناقصه گران در تمام مراحل مطابق با قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های اجرایی آن مختار خواهد بود.

روابط عمومی

موضوع: خرید یک دستگاه آمبولانس با تجهیزات تیپ B

شرکت پایانه های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع فوق را با در نظر گرفتن شرایط کلی مشروحه زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران واجد شرایط واگذار نماید:
الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطرنشان می سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت، امکان ثبت نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه گران فراهم می باشد.

شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۱۴۵۶ می باشد. اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان ها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRAN.IR) بخش «ثبت نام/پروفاایل تامین کننده/مناقصه گر» موجود است.

ب) شرح کالا: یک دستگاه آمبولانس با تجهیزات تیپ B

ج) محل و مدت زمان تامین کالا: زمان تامین کالا (از آغاز قرارداد تا تحویل کالا) یازده ماه و محل تحویل کالا بوشهر (اسکله فلأت قاره) می باشد.

د) برآورد مناقصه گزار: ۳۳٫۶۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (سی و سه میلیارد و ششصد میلیون ریال)

ه) معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران با لحاظ آخرین ویرایش ابلاغی طی تصویب نامه شماره ۹۳۸۷۲/ت ۵۷۸۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ هیأت محترم وزیران هیأت محترم وزیران به شرح جدول ذیل می باشد:

کلیه مناقصه گران مکلفند آگهی حاضر و جداول مرتبط با ارزیابی ساده که در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و سایت شرکت پایانه های نفتی ایران به نشانی WWW.IOTCOIR موجود می باشد را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) دریافت و ضمن تکمیل، مهر و امضای آن ها (با در نظر گرفتن توضیحات بند ح آگهی حاضر) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد و مدارک ذکر شده در این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تغذیه نمایند.

۱- توان مالی: ۳۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴- استانداردهای تولید: ۱۵ امتیاز
۲- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۱۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۱۵ امتیاز
۳- تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶- حسن سابقه: ۱۵ امتیاز

تذکر ۱: حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می باشد.

تذکر ۲: به منظور بررسی معیار تجربه جهت معادل سازی مبالغ قراردادی، با استفاده از نرخ تورم اعلامی از مراجع قانونی، مبالغ قراردادی به روزرسانی گردیده و ملاک سنجش قرار خواهد گرفت.